

کتاب نقش جهانی شدن و رسانه ها در هویت فرهنگی

تالیف دکتر سعیدی و دکتر کیا

فرهنگ و هویت فرهنگی : فرهنگ شناسنامه ی یک ملت است و هویت فرهنگی سند تاریخی تلاشها و خلاقیت ها ، افتخارات و در مجموع ، فراز و فرودهای افتخار آمیز یا عبرت آموز گذشته و حال یک ملت محسوب می شود .
جهانی شدن : پدیده ی ویژه ی قرن بیست و یکم است و یکی از مهمترین مباحث حوزه ی علوم انسانی مخصوصا علم سیاست به شمار می رود .

نکته ها : (۱) سالها پس از جنگ جهانی دوم ، گفتمان توسعه رواج پیدا کرد و بر تمام امور زندگی انسانی مسلط شد // (۲) مبنای تقسیم بندی جهانی کشورهای مختلف ، نزدیکی یا دوری نسبت به ظهور عوامل توسعه است که کشورها را به توسعه یافته و در حال توسعه تقسیم می کند // (۳) اصطلاح جهانی شدن ابتدا از سوی کشورهای غربی و بطور مشخص ، ایالات متحده ی آمریکا مطرح شد // (۴) جهانی سازی متأثر از دیدگاه استعماری است و نوعی غربی سازی تمام کشورهای جهان بدون توجه به فرهنگ آنان می باشد // (۵) جهانی سازی ، یک پدیده ی تاثیرگذار و تاثیرپذیر می باشد .

جهانی سازی از منظر مک گرو : افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که از دولتها و در نتیجه فراتر از جوامع ، دامن می گسترند و نظام های جهانی را می سازند ، جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می شود که از طریق آن ، حوادث ، تصمیمات و فعالیت های یک بخش از جهان می تواند نتایج مهمی را برای افراد و جوامع در بخش های بسیار دور کره ی زمین در بر داشته باشد .

وابستگی متقابل : مفهومی است که بر دو جانبه بودن وابستگی تاکید می کند ، فی الواقع یکی از ویژگی های جهانی شدن ، ارتباطات متقابل است که امکان وابسته شدن را نیز بوجود می آورد .

جهانی شدن از منظر توماس فرید من : جهانی شدن یعنی نظامی که در بازارها ، سرمایه و فن آوری ها به نحوی با هم یکپارچه و ادغام می شوند که جهان ، اندازه ی متوسط خود را از دست می دهد و به جهانی کوچک تبدیل می شود بطوریکه تمام انسان ها قادرند در این جهان به پیرامون خود ، سریع تر و ارزان تر و بیش از قبل ، دسترسی داشته باشند . جهانی شدن فقط یک روند اقتصادی ندارد و از طرفی یک موج زودگذر نیز به شمار نمی رود بلکه همانند تمامی نظام های بین المللی قبلی ، بطور مستقیم و غیر مستقیم ، سیاست های داخلی ، اقتصادی و خارجی تقریبا تمام کشورها را شکل می دهد .

جهانی شدن از منظر جیمز روزنو : ارتباط میان سطوح مختلف برای ادغام اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیک که برنامه ریزی مجدد تولید ، ارتباط صنایع گوناگون فرامرزی ، گسترش بازارهای سرمایه گذاری ، استاندارد کالاهای مصرفی کشورها و در نتیجه تقابل و مبارزه ی گروه های مهاجر و بومی را در بر می گیرد .

دیوید هاروی و جهانی شدن : جهانی شدن وارد مرحله ای جدید از فشرده گی زمان و مکان شده است که تاثیر گیج کننده و مخرب بر رویه های سیاسی ، اقتصادی ، توازن قدرت طبقات و نیز زندگی فرهنگی و اجتماعی دارد .

نکته : از منظر محمد عابد الجابری ، که با دیدی منفی به پدیده ی جهانی شدن می نگرد ، جهان گرایی وجه منفی پدیده ی جهانی شدن است .

تعریف جهانی شدن در کتاب پدیده ی جهانی شدن و طبیعت بشری و تمدن اطلاعات ، اثر دکتر رجایی از قول آلبرو :

جهانی شدن ، دسته ای از روندهای پیچیده اما متمایز در حوزه ی سیاست ، اقتصاد ، فرهنگ و اندیشه است که همه چیز را متحول می کند اما برآمده از تاریخ است . این پدیده یک روند است نه یک طرح ، دوم اینکه جهان شمول است و سوم آنکه کلان است و همه ی ابعاد زندگی را در بر می گیرد .

تعریف جهان گرایی از منظر محمد عابد الجابری :

جهان گرایی دارای یک نظام جهانی است ، نظامی که زمینه های مختلفی همچون سرمایه ، بازرگانی ، مبادلات ، ارتباطات ، سیاست ، اندیشه و ایدئولوژی را شامل می شود بویژه در مباحث کنونی ، منظور از جهان گرایی ، بسط و گسترش و انتقال تمدن و فرهنگ ایالات متحده به سایر کشورهای جهان است ؛ از منظر الجابری ، جهانی شدن یعنی به استقبال جهان رفتن ، آشنا شدن با فرهنگ های دیگر و احترام گذاشتن به آراء و نظریه های دیگران است در صورتیکه ، جهان گرایی ، نفی دیگران ، نفوذ در فرهنگ های دیگر و محل برخورد ایدئولوژی ها است .

نکته : آغاز طرح جدی مبحث جهانی شدن ، دهه ی ۱۹۹۰ است حال آنکه از منظر والرشتاین ، جهانی شدن ، فرآیندهایی معنادار است که جدید نیست و قدمتی ۵۰۰ ساله دارد .

بازه های زمانی نگرستن به مبحث جهانی شدن :

(آ) از سال ۱۹۴۵ تا به امروز (سیکل کندراتیف اقتصاددان روسی با چرخه های رشد و ترقی و تنزل :

(۱) چرخه ی (۱۸۹۷، ۱۷۸۰)، پیشروی انگلستان در صنعت

(۲) عصر بخار (۱۸۹۷، ۱۸۴۲)

(۳) چرخه ی (۱۹۳۹، ۱۸۹۷) با رشد وسایل الکترونیکی

و وسایل نقلیه .

(ب) از سال ۱۴۵۰ تا به امروز .

دو حالت همیشگی اقتصاد جهانی سرمایه داری :

الف (دوره ی تحوّل و چرخش رو به بالا و یا انبساط اقتصادی از سال ۱۹۷۳-۱۹۴۵

ب (دوره ی تحوّل چرخش رو به پائین و یا انقباض اقتصادی از ۱۹۷۳ تا به امروز

نکته : چرخه ی وجود اقتصاد جهانی سرمایه داری نشان می دهد که دوره ی ۱۹۴۵ تا به امروز ، دوره ی پیدایش و تشکیل بوده است .

دو مسئله ی بزرگ پیش روی ایالات متّحده از سال ۱۹۴۵ تا به امروز :

آ (نیاز به نظم جهانی تضمین کننده ی سود ناشی از برتری اقتصادی اش

ب (گسترش دادن تقاضای موثر برای رشد سرمایه گذاری های تولیدی کشور

حال آنکه موعد پیدایی موقعیت و وضعیت مناسب برای آمریکا برای حل دو مسئله ی بالا ، بازه ی زمانی

(۱۹۴۵-۱۹۵۵) بوده است ، اولاً به دلیل اینکه امکان کنترل سیاسی و بهبود نظم جهانی بواسطه ی استقرار نهادهایی

مانند سازمان ملل ، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ، فرآهم آمده است و ثانیاً پیمان یالتا میان شوروی و آمریکا

پس از جنگ جهانی دوم منعقد گردیده است .

۴

سیکل کندراتیف :

یک سلسله از امواج بلند نوسان های اقتصادی است که بنام کندراتیف ، اقتصاد دان روسی مشهور است و شامل نوسان

امواج قیمت ها ، تولید و تجارت است که دوره ی ۵۰ تا ۶۰ ساله دارد و این دوره ها به جریان ذاتی و ماهیت سرمایه

داری بویژه به تراکم سرمایه مربوط می شود که تغییرات فنون جنگ ، جنگ ها و انقلاب ها و بازارهای جدید ، رقابت های

اتّفاقی نیستند بلکه جزئی از آهنگ امواج بلند می باشند .
نکته : جهانی شدن یک پدیده تاثیرگذار و تاثیر پذیر می باشد.

مفاد پیمان ده ساله ی یالتا میان آمریکا و شوروی :

۱ (تقسیم جهان به دو بخش قلمرو ایالات متّحده و روسیه که محل استقرار نیروهای مربوط به دو طرف پس از پایان جنگ ،

بعنوان خط تقسیم تثبیت شد .

۲ (سیاست موازنه ی بازرگانی جمعی روسیه و نازلترین روابط اقتصادی با ایالات متّحده در مقابل سیاست بازسازی اقتصادی

هم پیمانان توسط ایالات متّحده

۳ (آزادی طرفین در بکار گیری زور برای طرف مقابل و کنترل رفتار آن

نکته : اقتصاد آمریکا در اواخر دهه ی ۱۹۶۰ با اُفت و رکود همراه بود .

دلایل شکل بندی اقتصاد جهانی بصورت سه شکلی با سیکل بدهی و موعد آغاز آن :

سال ۱۹۷۰ ، موعد سه شکلی شدن شکل بندی اقتصاد جهانی است که دلایلی به شرح زیر دارد :

آ (پول نفت قرض داده شده به کشورهای جهان سوم و کشورهای سوسیالیستی

ب (مقروض شدن ایالات متّحده ی آمریکا

ج (مقروض شدن کشورهای بزرگ

نکته ها :

۱- حباب واقعی ژاپن در سال ۱۹۹۰ فرو پاشید .

۲- بحران آسیا که شامل شکست های مالی دول آسیای جنوب شرقی با دخالت مصیبت بار صندوق بین المللی پول

است در دهه ی ۱۹۹۰ بوقوع پیوست ، حال آنکه اروپای غربی پیشتاز اتّحاد بود تا با ایجاد پول واحد ارتباطات سیاسی خود

را با ایالات متّحده ی آمریکا ، کمتر کند .

۳- جهانی شدن در مرحله ی نخست ، به علم اقتصاد و حوزه های مختلف اقتصاد بین الملل راه یافت و سپس در مطالعات

جامعه شناختی ، سیاسی و بین الملل جای خود را باز کرد .

نظرات اندیشمندان :

الف (از منظر سن سیمون ، فرآیند صنعتی شدن ، گسترش فرهنگ اروپایی به دیگر نقاط جهان بود .

ب (از منظر کنت ، علوم اجتماعی ، کار ویژه ی مهمی در همگون سازی نوع بشر انجام می دهد .

ج (از منظر دورکیم ، با افزایش و گسترش فرآیند انفکاک ساختاری در جامعه ، تعهدات جمعی و عناصر هویت بخش

خاص و محدودی همانند ملیت و قومیت ، جایگاه و اهمیت خود را از دست می دهند و مرزهای فرهنگی سیاسی به نحو

فزاینده ای تضعیف می شوند .

د (از منظر کارکردگرایان آمریکایی بویژه پارسونز ، در جریان نوسازی ، جوامع حول یک محور به یکدیگر نزدیک

می شوند و به سوی وضع اجتماعی همسانی پیش می روند که این همگرایی و همسویی بواسطه ی انتخاب های عقلانی

اعضای جوامع ممکن می شود .

ه (از منظر والرشتاين « برجسته ترین نظریه پرداز مارکسیست نظام جهانی » ، اقتصاد عامل وحدت بخش نظام

اجتماعی جهانی است و جهانی شدن اقتصاد ، اقتصاد مدرن را اقتضای درون سرمایه داری و نیاز آن نظام به رشد پایدار

قلمداد می کند .

نکته :

کارکردگرایی نظریه ی وظایف معنایی ، تاریخ طولانی دارد ، جامعه شناسان قرن نوزدهم ، به شدت تحت تاثیر نحوه ی

وابستگی های تداخل عناصر گوناگون جامعه قرار داشتند و این مکتب وظایف یک فعالیت مفروض اجتماعی را در رابطه با

پیامدهایی که برای به انجام رسانیدن فلان فعالیت دیگر اجتماعی فلان نهاد یا برای کل جامعه را در بر دارد ، توضیح

می دهد .

دیوید هاروی : استوار سازی بحث فراتجّد و جهانی شدن بر دو مفهوم محوری فضا و زمان توسط دیوید هاروی صورت پذیرفت و از منظر او ، جهانی شدن به معنای تجربه متفاوتی از زمان و فضا و به قول او فشردگی زمان / فضا ، می باشد .

نکته ها :

(۱) جهانی شدن همان فراگیر شدن عناصر مدرنیته ، جهانی شدن اقتصاد و فشردگی زمان و فضا می باشد .

(۲) کاوش مفهوم جهانی شدن در عواملی همچون اقتصاد ، مدرنیته و ارتباطات جهانی صورت می گیرد .

(۳) جهانی شدن ، فراگیری اقتصاد سرمایه داری ، مدرنیته و افزایش ارتباطات فراملی و جهانی است .

(۴) کاهش تاثیر مرزهای کشورها و به اضمحلال رفتن آنها ، نقطه ی مشترک تمامی دیدگاه ها و برداشت های مختلف از جهانی شدن است .

(۵) جهانی سازی ، پدیده ی عجیب و غریب دهه ی ۱۹۹۰ ساخته و پرداخته ی ایالات متّحده ی آمریکا است .

(۶) منظور از جهانی سازی در بُعد اقتصادی این است که سرمایه داری ، مرزها را در می نوردد و مستقل از حاکمیت های ملی به دنبال کسب سود بیشتر و مکانی امن می باشد .

(۷) کتاب کبوترها و شاخه ی زیتون ، اثر توماس فریدمن ؛ در واقع استقبال از روش و سبک جهانی سازی به سبک آمریکایی ، سرمایه داری یا کاپیتالیسم آمریکایی و دموکراسی لیبرال است .

(۸) پدیده ی اقتصادی جهان امروز ، اقتصاد بدون مرز است که یکی از ویژگی های جهانی شدن در بُعد اقتصادی است .

(۹) سرشت نظام جهانی شده را می توان در توسعه ی اقتصادی جهانی مشاهده کرد که شاهد تحوّلی از سرمایه داری سازمان یافته به سرمایه داری بی سازمان در مقیاسی جهانی بوده است .

۷

سرمایه داری بی سازمان جهانی :

(آ) اقتصاد اطلاعاتی جهان جدید : کارنوی

(ب) اقتصادهای نشانه ها و فضا : ولش واورى : تولید و تحرک کالاهای مادّی

ویژگی های اقتصاد سیاسی جهانی :

جهانی شدن تجارت : تاسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) جهانی شدن تولید از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی و افزایش صادرات .

جهانی شدن مالیه یا بازارهای پول و سرمایه واضح ترین شاخص جهانی شدن در امور اقتصادی است .

که همه ی ویژگی های بالا ، توصیف شبکه ای پیچیده از کنشگران فرآیندها و نهادها را در پی دارد و جهانگیری نظام ضد اقتصاد جهانی توسط فرآیند نه همگن ساز و نه متقارن را مطرح می کند .

نکته : گسست های ایدئولوژیک هویت های نهادی دولت ملّت ها بخصوص در عملکردشان بعنوان مدیران اقتصادی و شهود فشارهای جهانی بحران پولی پائیز ۱۹۹۲ منجر به ایجاد نظم نهادی در اشکال ایدئولوژیک فرهنگی و نهادهای اجتماعی جهانی گردید که در پی آن ، جامعه ی سیاسی جهانی مرگب از دولت ملّت ها و فرهنگ حاکم بر سرمایه گذاری بازار پدیدار شد .

دیدگاه کنت والتز پیرامون جهانی شدن : جهانی شدن یا جهانی سازی ، به مسئله ای اشاره می کند که در آن ، بُعد اقتصادی ، مرزها را در می نوردد و مستقل از حاکمیت های ملی به دنبال کسب سود بیشتر و مکانی امن می باشد .

نکته : جهانی شدن از بعد اقتصادی ، حالتی اجباری دارد و دور ماندن از این قافله ، هزینه های گزافی در پی خواهد داشت که تا بلند ، مالزی ، اندونزی و کره ی جنوبی در دهه ی ۱۹۹۰ چنین هزینه ای را پرداخت کرده اند .

۸

نکته : سرمایه است که تصمیم می گیرد که کدام کشورها ، تشویق و کدام یک تنبیه شوند و کاری هم در مقابل این امر نمی توان انجام داد .

نکات :

(۱) از منظر کنت والتز ، جهانی شدن به معنای یکدست سازی است ؛ قیمت ها ، تولیدات ، دستمزدها ، ثروت و نرخ بهره ، همگی تمایل به یکسان سازی دارند که این امر توسط بازارها شکل می گیرد نه حکومت ها و علی رغم مقاومت هایی که با پدیده ی جهانی شدن در داخل و خارج از امریکا رخ داده است ، جهانی شدن تحت حمایت نظامی ایالات متّحده ، بدون توقّف پیش می رود و پیام ارسالی به تمام کشورهای جهان یکسان است : یا بپیوندید یا عذاب را به جان بخرید .

از منظر والتز ، سیاست جهانی جانشین سیاست ملی نشده است ؛ او می گوید جهانی شدن به معنای همسانی و یکنواختی گسترده ی شرایط روابط اقتصادی میان کشورهاست .

(۲) در روند جهانی شدن ، اقتصاد کشورهایی که رو به ضعف و افول نهاده و با شکست مواجه شده اند کاملاً تنظیم و کنترل شده بود .

(۳) در فرآیند جهانی شدن ، آمریکا ، بهترین سیستم و شیوه ی اقتصادی را پیدا کرده است .

(۴) از منظر تیپ وانیل ، سیاست های ایالات متّحده ، بومی ، محلی و داخلی بوده است .

(۵) از منظر توماس فریدمن ، تمامی سیاست های ما ، فراگیر و جهانی شده اند ، گروه سرمایه گذار اندک ولی مجهّز به فناوری های پیشرفته ی صنعتی ، تمام جهان را به سمت یک نظام پارلمانی صنعتی پیش می برد .

(۶) از منظر والرشتاین ، مالکیت ، ویژگی بنیادین نظام سرمایه داری است .

۹

آ (مشهورترین نظریه پرداز علوم اجتماعی

ب) طراح تئوری نظام جهانی

پ) چاپ کتاب اقتصاد جهانی سرمایه داری

ت) تقسیم بندی نظام جهانی اقتصاد کشورها به :

* مرکزی : کشورهای پیشرفته ی صنعتی شرقی و غربی :

تثبیت کننده و تداوم بخش نظام جهانی سرمایه داری

* حاشیه ای : جنوب یا جهان سوم : صدور مواد اولیه

* نیمه حاشیه ای : حکومت دول اقتدار گرا ، آسیای

جنوب شرقی : بهره مندی از بحران های نظام جهانی ،

توسعه از راه دعوت استراتژی اتکا به خود .

ث) در مطالعه ی والرشتاین ، مفاهیمی همچون طبقه ، نژاد و

ملت ، چندان اهمیتی ندارد .

ج) از منظر والرشتاین ، ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم ، هر

دو از گرایش های تاریخی توسعه ی سرمایه داری ناشی شده

اند ... خلق ها در جهان مدرن ، همواره وجود نداشته اند ، آنها

ایجاد شده اند یا از شکل و حالت طبیعی انداخته شده اند یا

اینکه مستحیل گردیده اند ... همه ی دولت ها ، مخلوقات

جهان مدرن هستند و نهایتا هویت هایی متغیر ، سیال و گذرا

خاص این نظام جهانی موجود است .

چ) کتاب جغرافیای سیاسی و جغرافیای فرهنگ ، تالیف

والرشتاین است .

نکته : تعدادی از صاحب نظران ، وجوه منفی جهانی شدن را

بیش از جنبه های مثبت آن می دانند زیرا جهانی شدن را

معادل آمریکایی شدن دنیا تلقی می کنند و آنرا سبب

استیلای قدرت برتر ایالات متحده و تامین منافع او در سطح

جهان میدانند و آنرا متعارض با منافع دیگرملتها تلقی میکنند .

نکته : کتاب دیدگاه های متعارض در مورد نظام جهانی ، اثر

نوآم چامسکی است .

جنگ سرد از منظر توماس فرید من : جنگ سرد به عنوان یک

نظام بین المللی ، ساختار قدرت مخصوص به خود را داراست ؛

این ساختار قدرت ، همان موازنه ی قوا بین ایالات متحده و

جماهیر شوروی و متحدان آنهاست . نظام مزبور ، از قواعد و

قوانین خاص خود پیروی می کند و بر طبق این قواعد ، هیچ

یک از ابر قدرت ها ، حق تجاوز و دست اندازی به حوزه ی

سلطه ی دیگری را ندارد . در حوزه ی اقتصاد ، کشورهای

توسعه نیافته به رشد و گسترش صنایع ملی خود توجه

می کردند ، رشد صادرات مد نظر کشورهای در حال توسعه

بود ، خود کفایی مورد توجه کشورهای کمونیستی و تجارت

آزاد و منظم ، مورد نظر اقتصاد کشورهای غربی بود .

نظریه های سلطه ی مختص جنگ نرم :

نزاع کمونیسم و سرمایه داری ؛ تنش زدایی بی طرفی ؛

پروستریکا (بازسازی اقتصادی)

نکات :

۱) در جریان جنگ سرد ، حرکت مردم از شرق به غرب ، با

سیاست پرده ی آهنین متوقف شد ولی حرکت جنوب شمال

در جریان بود .

۲) فناوری حاکم دوران جنگ سرد ، سلاح های هسته ای و

انقلاب دوم صنعتی بودند .

۳) نظام جنگ سرد با یک ویژگی عمده تعریف می شود : این

ویژگی شامل تعدد و تنوع نظام های فرهنگی جهان است که

جهان در غالب این نظام بصورت قطعه قطعه فرض می شود و

فرصت ها و خطرها در قالب این نظام معنا می یابد .

۴) سمبل و نماد جنگ سرد ، « دیوار » است که در نقطه ی

مقابل ویژگی عمده ی نظام جهانی شدن ، «همگرایی» میباشد .

۵) در انتقال از نظام جنگ سرد به نظام جهانی شدن ، ما از

یک نظام ساخته شده پیرامون دیوارها به یک نظام ساخته

شده پیرامون شبکه ها ، تغییر مکان دادیم .

نکات :

۱) ساختار قدرت در نظام جنگ سرد ، مبتنی بر دولت ملت ها

است و موازنه ی قوا در دولت - ملت ها توسط دو ابرقدرت در

مرکز برقرار می شود حال آنکه در نظام جهانی شدن ، ساختار

قدرت ، موازنه ی سه قطبی است و هر یک از سه قطب در

همدیگر تداخل و تاثیر دارند .

۲) اولین قطب موازنه ی سه قطبی نظام جهانی ، موازنه ی

سنّتی موجود میان دولت - ملت هاست و دومین قطب حیاتی

و مهم این موازنه ، موازنه ی میان دولت ملت ها و بازار جهانی

است که آنرا با « جمعیت الکترونیکی » می شناسند و سومین

قطب موازنه ی جهانی ، موازنه ی موجود میان افراد و دولت -

ملت ها است .

۳) در نظام جهانی شدن ، علاوه بر ابرقدرت ها ، ابر انسان ها

هم مطرح می باشند .

۴) اصل مبنایی نظام سیاسی بین الملل ، تهدید یا استفاده از

زور در امور بین المللی ممنوع و نپذیرفتنی است و باید کاملا

از آن جلوگیری شود و تنها در دو مورد استثنا دارد :

آ : تهدید و یا کاربرد زور بعنوان تنها راهکار ، مورد تأیید

شورای امنیت باشد .

ب : ماده ی ۵۱ : هیچ چیز در این منشور ، حق دفاع از خود

در برابر حمله ی مسلحانه را تا زمان اقدام شورای

امنیت علنی نمی کند (اصلاح ماده ی ۵۱ توسط

مالدین آلبرایت ، سفير ایالات متحده در سازمان ملل

مطرح گردید که در جهت منافع آمریکا بود)

۵) سازمان ملل متحد و منشور آن ، هنگامیکه در خدمت یک

ابرقدرت است ، تصمیم گیری ها و محکوم کردن ها بدون

موافقت آن ابرقدرت ، حتی ارزش تهیه ی گزارش را هم

ندارند و گزارش هم نمی شوند چه برسد به اینکه کسی از آنها

تبعیت کند .

نکات :

۱) جودی ویلیامز ، بعنوان یک انسان سودمند ، جایزه ی نوبل را به خاطر مبارزه برای منع استفاده از مین های زمینی دریافت کرد .

۲) والرشتاین ، صرفا بر تاثیرهای اقتصادی نظام جهانی تاکید دارد .

۳) آنتونی گیدنز ، اقتصاد جهانی را یکی از چهار بُعد فراگرد جهانی شدن می داند و نظام دولت ملی را بُعد دوم فراگرد معرفی می کند حال آنکه دول ملی هنوز کنشگر اصلی صحنه ی بین الملل بوده اند .

۴) بر مبنای دکترین نظامی غیر معمول و منحصر به فرد ایالات متحده ی آمریکا ، هیچ نیروی نظامی نباید مورد تهدید قرار گیرد و اگر تهدیدی وجود داشته باشد ، آنها باید با حداکثر قدرت واکنش نشان دهند .

پایان

خلاصه نویسی

صفحات یک الی چهل و سه

کتاب

نقش جهانی شدن و رسانه ها در هویت فرهنگی

تالیف

آقایان

سعیدی و کیا

خلاصه نویسی درس مبانی ارتباطات جمعی

بخش دوم :

کتاب مبانی ارتباطات جمعی

تالیف سیّد محمد دادگران

نکته : فردیناند تونیس ، دیوید رایزمن و مارشال مک لوهان ، اساس تحولات جامعه را ، مشخصا بر نقش اجتماعی وسایل ارتباط جمعی قرار داده اند .

فردیناند تونیس : فیلسوف و جامعه شناس آلمانی ، متولد ۱۸۵۵ در شلسویک ، انتصاب به سمت استاد فلسفه دانشگاه کیل در سال ۱۸۸۱ ، آغاز انزوا در سال ۱۸۸۷ ، آغاز دوباره زندگی دانشگاهی با سمت استادی رشته ی اقتصاد سیاسی در سال ۱۹۱۳ ، کناره گیری مجدد از تدریس و پرداختن به تحقیق در سال ۱۹۱۶ ، انتخاب به عنوان رئیس انجمن جامعه شناسان آلمان در سال ۱۹۰۹ ، بیان نظریه ی تحول جامعه ی انسانی در اثر (اجتماع و جامعه) ، مطالعه و توجیه وضع جامعه ی نوین با توجه به انواع جدید ارتباطات بعنوان نخستین فرد ، اعتقاد به وجود دو نوع گروه انسانی در دنیا بر اساس نوع اراده ی افراد و روابط ناشی از آن (اجتماع و جامعه) ، از منظر تونیس ، انواع روابط میان افراد ، عامل تغییر و تحولات جوامع انسانی است .

اجتماع در منظر تونیس : تعریف اجتماع بعنوان نوع زندگی اجتماعی آلی « ارگانیک » ، وجود گرایش تحول از اجتماع به جامعه و از فرهنگ به تمدن ، برخورداری افراد از اراده ی ارگانیک « آلی » در گروه های کوچک انسانی ، انجام وظایف توسط افراد بطور خودانگیخته بعنوان عضوی از اعضای اجتماع ، جنبه ی غریزی طبیعی و عاطفی روابط افراد ، وجود پیوند ها و رابطه های خونی و خانوادگی در اجتماع ، شناسا بودن افراد بعلت محدودیت مکانی و جمعیتی گروه ، استواری روابط اقتصادی اعضای گروه همانند روابط انسانی آنها بر تعاون و همکاری ، عدم وجود مالکیت خصوصی به دلیل اشتراک منافع و همبستگی های انسانی .

جامعه در منظر تونیس : گروه های بزرگ انسانی ، عدم وجود روابط طبیعی خانوادگی و همبستگی های قبیله ای و قومی به دلیل فراوانی گوناگونی جمعیت ، پس گرفتن اهداف و منافع معین توسط افراد کثیری که در سرزمین های وسیع با هم زندگی می کنند ، تحت الشعاع قرار گرفتن احساس و عواطف توسط عقل و اندیشه ، سازش حسابگرانه ی وسایل و اهداف بعنوان بنیان قوانین مبادله ی « بازرگانی و صنعت » به عنوان اصل مراعات شونده ی جامعه ؛ سرمایه داری نمونه ی تکاملی چنین جوامعی ؛ رشد سریع و گسترده روح حسابگرانه ، وجود افراد برای خودشان بعنوان واحدهایی که عملا می توانند جای یکدیگر را بگیرند ، کشیده شدن افراد بسوی انواع وسایل و حرفه ها و فعالیت ها مانند تجارت و صنعت برای کسب مال بیشتر ، محترم بودن مالکیت خصوصی ، فراوانی فعالیت ها و روابط مادی افراد علت نیاز به تشکیلات و قوانین حقوقی خاص ، وجود اراده ی سنجیده و حساب شده ی افراد ، تلاش افراد برای پیشبرد منافع و مقاصد و ارضای جاه طلبی ها ، پنداشتن جامعه بعنوان نوعی زندگی مصنوعی و مکانیکی .

نکته : در نگاه تونیس ، اواخر قرون وسطی ، از منظر تاریخی بعنوان ، نقطه ی عطف تحول زندگی اجتماعی محسوب می شود که غلبه ی روح اجتماعی بر روح جامعه ای در قرون وسطی و افشاندن شدن بذره های خودگرایی در این دوره ، همچنین فراگرفتن روح حسابگرانه ی جامعه در قسمت های غرب و شمال در کنار بجا ماندن بقایای مهمی از روح اجتماعی در شرق و جنوب ، از جمله دلایل و نشانه های آن هستند .

نکته : تونیس از نخستین جامعه شناسانی است که به برخی از مسائل جامعه ی جدید اشاره کرده است .

نکته : از منظر تونیس ، سعادت و خوشبختی از دست رفته ، در صورتی به جوامع فردگرای کنونی باز خواهد گشت که افکار عمومی با بازگشت به سرچشمه های زندگی اجتماعی گروه های کوچک ، به نو آفرینی و دوباره سازی جوامع بپردازند .

آینده نگری در منظر تونیس : ابهام آمیز بودن دیدگاه های تونیس پیرامون تحولات آتی جامعه ی انسانی ، وفاداری به مترالیسم تاریخی ، پیش بینی نوعی عصیان و خودخواهی جامعه در روند پیشرفت سرمایه داری ، پیگیری سوسیالیسم استوار بر اصول زندگی و روابط گروه های کوچک اجتماعی ، احتساب نوعی بازگشت به گذشته ، جالب توجه بودن نظریات انتقادی تونیس پیرامون جوامع صنعتی معاصر ، بشمار آمدن تونیس بعنوان پیش آهنگ جامعه شناسان انتقادگر معاصر همچون رایزن و مارکوزه بعنوان منتقد جنبه های منفی جامعه ی صنعتی ، احتساب تونیس بعنوان یکی از پیشروان نظریه ی تحول جدید ، آینده نگری مبهم تونیس شامل تزلزل فردگرایی حسابگرانه ی انسان قرن نوزدهم و دگرگونی عمیق روابط اجتماعی و ظهور نسل جدید است .

۱۶

نکته : تونیس معتقد است روزنامه ها ، اندیشه ها و افکار را بصورت جالب و موثر ، تهیه و عرضه می کنند . مطبوعات رکن اصلی افکار عمومی را تشکیل می دهد که از بسیاری جهات قابل مقایسه با قدرتی است که دولت ها در ارتش و سازمان های اداری متمرکز کرده اند و گاه حتی از آن نیز بدتر است .

نکته : از منظر تونیس ، دامنه ی تاثیر افکار عمومی به مرزهای ملی محدود نمی شود و ماهیتا به سوی جامعه ی بین المللی گرایش دارد که در آن ، کثرت دولت ها و حکومت ها در یک حکومت واحد جهانی از بین خواهد رفت ؛ از منظر تونیس ، افکار عمومی می تواند بعنوان مظهر اخلاقیات جامعه در سطحی عالی تر از دولت قرار گیرد .

نکته : تونیس ، معتقد است که تمدن شهری فعلی با شرایط و اوضاع و احوال خاص « جامعه ای » خود ، در برابر تحرکی که افکار عمومی ، روشنگرانه از طریق وسایل ارتباط جمعی پدید آورده اند ، بیهوده در تلاش اصلاح خود می باشد ، تونیس توانسته است که آغاز یک دگرگونی عمیق در جهان غرب را تشخیص دهد و در اندیشه ی انطباق ویژگی های گروه های اجتماعی اولیه با خواستهها و نیازهای دنیای وسیع معاصر باشد .

نکته : از منظر تونیس ، در حال حاضر ، کلیه ی مظاهر فرهنگ انسانی به نوع خاصی از تمدن سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است و تنها با بهره برداری از ریشه های اصلی این فرهنگ که هنوز نیز بطور پراکنده باقی است ، می توان شرایط اجتماع قبلی را احیاء کرد و یک فرهنگ نوین پدید آورد .

ویژگی های مراحل دوگانه ی فردیناند تونیس :

(آ) مرحله ی اجتماع :

رابطه ی فیزیکی ، پیوند خونی غریزی و عاطفی است و افراد بعلت محدودیت مکانی و جمعیتی گروه ، همدیگر را می شناسند ؛ روابط اقتصادی اعضای گروه همانند روابط انسانی آنها بر تعاون و همکاری استوار است که سبب همبستگی های انسانی و اشتراک منافع و مالکیت دسته جمعی بر زمین می شود و خدایان و اماکن مقدسه و مظاهر مورد پرستش ، عامل پیوند دهنده ی آنها به شمار می روند .

(ب) مرحله ی جامعه :

در این مرحله ، به سبب افزایش و گوناگونی جمعیت ، روابط طبیعی و همبستگی قبیله ای و دودمانی موجود نیست و در این مرحله هر کس برای خودش زندگی می کند ؛ عقل و اندیشه ، احساس و عواطف را تحت الشعاع قرار می دهد و ارتباط ، اندیشیده و حساب شده می شود ؛ افراد حسابی جدا از دیگران دارند و شرایطی در کار است که از وجود کشمکش های میان آنها حکایت دارد ؛ عرصه های فعالیت و قدرت افراد به طرز فاحشی تفکیک شده اند بطوریکه هرکس از تماس افراد دیگر با عرصه ی خاص خودش جلوگیری و از پذیرش دیگران در این عرصه خودداری می کند ؛ در چنین شرایطی نه کسی حاضر است چیزی را برای خاطر فرد دیگر ببخشد یا تولید کند و نه رغبت دارد بدون اکراه چیزی را به دیگری بدهد مگر آنکه این دهش به ازای هدیه یا کاری باشد که او بتواند آنرا دست کم ، هم ارز و برابر با چیزی که خودش داده است تلقی کند .

۱۷

دیوید رایزن : جامعه شناس آمریکایی ؛ صاحب کتاب انبوه تنها نشر سال ۱۹۵۰ ؛ تقسیم تاریخ تحول جوامع انسانی به سه دوره ؛ احتساب تعادل جمعیتی بعنوان عامل زیربنای کلیه ی تحولات اجتماعی ؛

دوره های تحول جوامع انسانی از منظر رایزن به سه دوره ی : (آ) باستانی یا سنتی ، (ب) فردگرایی ، (ج) مصرف و فراوانی ؛ تقسیم می شود .

ویژگی های جامعه ی باستانی یا سنتی رایزن :

نخستین مرحله ی تاریخ جوامع بشری است ؛

نمونه ی بارز آن جوامع جهان سوم اند که هنوز با اقتصاد فقر و کمیابی دست و پنجه نرم می کنند ؛

بالا بودن نرخ زاد و ولد و جبران نسبی آن بوسیله ی بالا بودن میزان مرگ و میر و در نهایت برقراری تعادل نسبی میان جمعیت و کمیابی ؛

پیروی بی چون و چرای جامعه از آداب و رسوم و سنت ها ؛ حکمرانی عملی گذشتگان بر جامعه ؛ احتساب سنت بعنوان عامل اصلی نظارت اجتماعی ؛

نابودی خلاقیت فردی توسط قدرت و نیروی سنت و آداب و رسوم و پایبندی افراد به گذشته بدین سبب ؛

عصر نفسانیات تخیلی نامیدن این دوره از منظر تاریخی که به سبب آن ، میان افراد نوعی جمع گرایی ناآگاهانه و یا نوعی وابستگی کندویی به خانواده ، طایفه و قبیله وجود دارد که می باید پس از هزاران سال به جمع گرایی آگاهانه تبدیل شود ؛ این جوامع با افزایش بالقوه ی شدید جمعیت مواجه هستند که در نتیجه سنت ها سبب از میان رفتن بخشی از آن به انحاء گوناگون می شود ؛

از منظر رایزن ، ثبات و پایایی رسوم و ساختهای اجتماعی در این جوامع ، لزوما از ثبات نسبی رابطه ی میان جمعیت و غذا و منابعی که در اختیار دارد ناشی می شود .

رایزن معتقد است که این جوامع ، موجد پیدایی انسان از سنت هدایت شده است .

۱۸

ویژگی های جامعه ی فرد گرایی از منظر رایزن :

در این مرحله ، فرهنگ جامعه گرایش به ساختن انسانهایی دارد که از درون هدایت می شوند ؛

گذار از مرحله ی سنتی به این مرحله ، منوط به جهش یا انقلابی است که به قول رایزن ، چند قرن طول می کشد و عصر روشنگری و جنبش اصلاح مذهب ، انقلاب صنعتی و انقلاب های سیاسی قرن هجدهم و نوزدهم و بیستم را در بر می گیرد ؛

رایزن ، مرحله ی زندگی از درون هدایت شده را ، در مقایسه با مرحله ی پیشین ، عصر فردگرایی می شناسد و علل این تحوّل را بر اثر تغییراتی می داند که در تعادل جمعیتی پدید می آید ؛

در دوره ی فردگرایی ، جمعیت فزونی می گیرد و طول عمر انسانها در پرتو پیشرفت های پزشکی و بهداشتی بالا می رود و با پیشرفت های صنعتی در زمینه ی کشاورزی ، منابع مورد نیاز انسان فراوانتر می شود و تعادل نسبی حفظ می گردد ؛

در این دوره ، با بهبود شرایط زندگی مردم ، ایستایی اجتماعی و واکنش های مکانیکی مردم نسبت به فشار سنت ها به تدریج از میان می رود ؛

در این دوران ، نفسانیات انفرادی واقع گرا پدید می آید که سرآغاز جدایی فرد از جمع است و ساختن گرایشهای خودخواهانه و سودورزانه که با آموزش افراد برای آشنایی با روشهای جدید زندگی و منطبق ساختن آنان با شرایط محیط همراه است پدید می گردد ؛

در این جامعه ، افراد ضمن برخورداری از قابلیت تطابق زیاد با دگرگونی های محیط پیرامون ، ابتکار فردی آنان برانگیخته و همبستگی و تعلق اجتماعی لازم با کل اجتماع نیز در آنها حفظ می شود ؛ در این جامعه ، فرامین و تعهدات و وظایف از سوی سنت های معتبر ، دیکته نمی شوند بلکه منشهای فردی در شرایط مختلف ، نقش مهمی را ایفا می کنند ؛ سنت در این جامعه برای همبستگی میان فرد و جمع در جامعه ای که منزلت ها و نقش ها بر اثر تقسیم کار اجتماعی و وجود قشرها و طبقات مختلف اجتماعی است ، اهمیت خود را حفظ می کند .

ویژگی های جامعه ی مصرف و فراوانی از منظر رایزن :

در این مرحله ، جامعه ی فردگرا جای خود را به جامعه ی نوین می دهد ؛ خصلت انسان از برون هدایت شده جانشین انسان از درون هدایت شده می شود ؛ نمود عینی آن ، وضعیت کشورهای بسیار پیشرفته و صنعتی است ؛

در چنین جوامعی نگرش باید تولید کرد و صرفه جویی نمود وجود ندارد و اهمیت چندانی نیز ندارد و در عوض در این جامعه باید سرمایه ها را بکار انداخت چرا که وجود دیگران برای فرد مسئله ی اصلی است و بنابراین فرد پیوسته ناچار است خود را با دیگران انطباق دهد و از تمایلات و انتظارات آنان پیروی کند ؛ از منظر رایزن ، گذار به جامعه ی مصرف و فراوانی با نوعی انقلاب همراه است که چهارچوب آن در انتقال از حالت تولید به حالت مصرف است .

رایزن برای توجیه این مرحله ، دست به دامان عامل جمعیت می برد با این تفاوت که در این مرحله ، بعّت پیشرفت های علمی و بهداشتی ، میزان مرگ و میر در جوامع بسیار پیشرفته ی صنعتی پائین می آید و همزمان با آن ، از شمار زاد و ولد کاسته می شود و جمعیت افزایش نمی یابد ، و تعادل نسبی خود را حفظ می کند ؛

رایزن ، در مرحله ی سوم ، به ناچار در کنار عامل جمعیتی ، از عوامل موثرتر بویژه پیشرفت های تکنیکی و تحولات اقتصادی ناشی از آن سود می جوید .

ویژگی های مراحل سه گانه ی رایزن :

آ) مرحله ی اول :

ذهنیت تخیلی و اسطوره ای ؛ نظام اجتماعی دودمانی و قبیله ای ؛ جمع گرایی ناآگاهانه و بدوی ؛ وابستگی کندویی به طایفه و قبیله ؛ شفاهی بودن ارتباط ؛

انسان از سنت هدایت شده واکنشش در مقابل فشار سنت ها مکانیکی است و در مجموع فاقد خلاقیت و ابتکار است .

ب) مرحله ی دوم :

پدید آیی ذهنیت انفرادی و واقع گرا بر اثر اختراع خط و کتابت بویژه چاپ که باروت روح آدمی است ؛ بسط شدید فردگرایی و تضعیف حاکمیت پدرسالاری ؛ جایگزینی تفکر تجربی به جای اجتناجات انتزاعی منطقی ؛ رقابت علوم طبیعی با الهیات ؛ پیشی گرفتن مصلحت فرد بر مصلحت جمع ؛

به اوج رسیدن روند جدایی فرد از جمع و خود خواهی او ؛

انسان از درون هدایت شده پای به عرصه ی وجود می گذارد .

ج) مرحله ی سوم :

با ظهور و شکوفایی وسایل ارتباط جمعی همراه است ؛

هم اکنون شاهد آن هستیم ؛ بوقوع پیوستن دید کلی فرد نسبت به امور و وسایل ؛ تحقق یافتن جمع گرایی رشد یافته ی اجتماعی و آگاه ؛ پدید آیی انسان از برون هدایت شده ؛

نتیجه گیری : از منظر رایزن ، تربیت فردی در مرحله ی نخست از طریق حماسه ها و افسانه ها و اسطوره ها شکل می گیرد که بصورت شفاهی به افراد منتقل می شود و نقش این نوع تربیت را همزمان ، در سنت ها متذکر می شود و هم نشان می دهد چطور قهرمانان بزرگ و استثنایی می توانند جاودانه شوند حال آنکه تربیت فردی در مرحله ی دوم یعنی مرحله ی هدایت از درون ، انتقال میراث فرهنگی از طریق نوشتار بویژه چاپ که انگاره های فردی را رواج می دهند انجام می گیرد و درحالیکه اسطوره ها و حماسه ها با حلقه زدن بر گرد اجاق قبیله بازگو می شد و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردید ، کودکان عصر انسان از درون هدایت شده ، کتاب خود را در انزوا و در خلوت و یا در گوشه ای از اتاق خود می خوانند . تربیت فردی در مرحله ی سوم بوسیله ی وسایل ارتباط جمعی است که افراد را می سازند آن هم نه در میان جمع خانواده و یا در گوشه ی عزلت بلکه در میان گروه دوستان و همسالان ، این آموزش در تمام طول زندگی انسان تداوم می یابد و روزنامه و رادیو و تلویزیون دائماً این افراد کلیشه ای و متحد الشکل توده ی تنها را هدایت می کنند و رفتار آنها را نظم می بخشند .

روابط آشکار مورد اعتقاد رایزمن :

مرحله ی از سنت هدایت شده = ارتباط شفاهی

مرحله ی از درون هدایت شده = چاپ

مرحله ی از برون هدایت شده = ارتباط جمعی

از منظر رایزمن ، یک نوع رابطه و همبستگی میان دگرگونی

فنون ارتباطی و تحولات اجتماعی وجود دارد .

مارشال مک لوهان

جامعه شناس و فیلسوف کانادایی ، استاد دانشگاه تورنتو و از

مشهورترین پیروان نظریات رایزمن ؛

مشهورترین آثار : کهکشان گوتنبرگ ، شناخت وسایل ارتباطی ،

جنبشهای ۱۹۹۰ ، برای درک رسانه ها ، پیام و ماساژ ، جنگ و

صلح در دهکده ی جهانی ، جنگ الکترونیک قرن بیستم .

وفات در سن ۶۹ سالگی به سال ۱۹۸۰ ؛

شهرت : پیشگوی فرزانه ؛

نظرات مملوء از نظریه پردازی های پندار گرایانه ؛

آثار او نمایش جهات پیموده شده ی جامعه ی انسانی و مسیر

آینده ی آن با توجه به تظاهرات کنونی حیات اجتماعی است ؛

از منظر مک لوهان ، شرط اصلی و عامل تحولات زندگی

اجتماعی ، تغییر وضع وسایل ارتباطی است .

نظرات : تکنولوژی منبعث از ذهن و عمل انسان ؛ انسان هر عصر

و دوره ای زائیده ی تکنولوژی زمان خود است ؛ هدایت نوع بشر

به بهشت زمینی ؛ تکنولوژی = کمدی الهی ؛ یاد کردن از

تلوزیون بعنوان رسانه ای هوشمند و غسل تعمید دادن آن در

دهه ی ۱۹۶۰ ؛ پرستشگاه بودن تلوزیون و بشارت الکترونیک

بودن امواج ؛ تلوزیون مروج آگاهی ژرف و تازه ؛ تبدیل شئون به

نظم و ایمان بوسیله ی تلوزیون ؛ اعتقاد به تاثیر شیوه ی ارتباط

با روش انتقال معلومات و انتشار پیام بر رفتار و تصورات انسان و

سیستم اعصاب و ادراکات حسی ؛ معتقد به این نکته که وسایل

ارتباط جمعی عامل انتقال فرهنگ و موثر بر خود فرهنگ است

با بیان جمله ی (وسیله ، پیام است) .

نکته : بر مبنای اعتقاد مک لوهان ، شکلگیری جوامع در اثر

ماهیت وسایل ارتباطی است تا در نتیجه ی محتوای ارتباط ،

همچنین وسیله از محتوای پیام جدا نیست و اهمیت و تاثیر

گذاری به مراتب بیشتر آن نسبت به پیام ، قطعی است .

نظرات مک لوهان :

وجود نوعی تعارض میان فرهنگ در حال زوال و رسانه های

جمعی جدید ؛

پدید آبی نوعی بحران فرهنگی در هر تغییر و تحول اجتماعی

بواسطه ی تضاد میان تکنیک های تازه و فرهنگ قدیم ؛

عبور تاریخ از سه مرحله ی متوالی تحت تسلط مجموعه ای از

رسانه های جمعی مربوط به خود ؛

ضرورت مطالعه ی تحولات جوامع گذشته به منظور رویارویی با

بحران های فرهنگی ؛

از میان رفتن فرهنگ سنتی همانند فرهنگ اسکولاستیک قرن

شانزدهم در صورت پافشاری بر حفظ گرایشهای سنتی در مقابل

کارکردهای نوین تکنولوژی ؛

وجود اثر تشدید کننده در تکنولوژی ها ، دلیل تفکیک حواس

آدمی از یکدیگر است و از اینرو هر یک از وسایل ارتباطی در

امتداد یکی از حواس انسان است .

بیان مک لوهان در کتاب « برای درک رسانه ها » :

ارشمیدس گفته است ، یک نقطه ی آتکا در جهان به من نشان

دهید تا من توسط آن دنیا را تکان دهم ، مک لوهان معتقد است

اگر امروز ارشمیدس زنده بود ، حتما رسانه های ما را با انگشت

نشان می داد و می گفت : من چشم ها ، گوش ها ، اعضاء و

مغزهای شما را بعنوان نقطه ی آتکا بکار می گیرم و دنیا را

آنگونه که مایلیم به حرکت در می آورم .

تقسیم بندی مک لوهان برای وسایل ارتباطی از منظر حرارتی :

(آ) وسایل ارتباطی گرم (عکس ، رادیو ، سینما) : در امتداد یکی

از حواس آدمی هستند و توصیف و تشریح زیادی را در بر دارند .

(ب) وسایل ارتباطی سرد (خط تصویری ، تلفن ، تلوزیون) : با

ویژگی تشریح و توصیف اندک و طلب مشارکت زیاد .

تقسیم بندی جوامع از نظر مک لوهان :

جوامع سرد : جوامع کم سواد

جوامع گرم : جوامع اروپایی

نکات :

(۱) از منظر مک لوهان ، رادیو ، آوایی جنبی است که همه ی

حواس آدمی را اشغال نمی کند حال آنکه تلوزیون تمام حواس

آدمی را اشغال می کند .

(۲) از منظر مک لوهان در رسانه ی سرد ؛ افراد جدی که موجب

سرخوردگی تماشاگران می شوند ، نمی توانند موفق شوند .

(۳) از منظر مک لوهان ، رسالت تلوزیون در تبلیغات انتخاباتی ،

سادگی و غیر جدی بودن در نمایش های تلوزیونی است و

تلوزیون با افراد جدی ، رفتاری نادرست دارد .

ویژگی های تلوزیون از منظر مک لوهان :

رسانه ای که کمتر به شرح مفصل رویدادها می پردازد ، طالب

توجه و مشارکت بیشتر تماشاگران است و برنامه های موفق در

آن ، برنامه های تکمیل کننده ی ذهنیت تماشاگران اند و از

دیگر ویژگی های تلوزیون ، دارا بودن مشارکت جویی عمیق

تماشاگر و دخالت ژرف روانی او است .

ویژگی های سینما از منظر مک لوهان :

دارای فضای وسیع ، نمایش های بهتر زندگی های شبانه و

اشرافی ، پذیرش منفعلانه ی ماجراها توسط تماشاگران و عدم

دخالت ذهنی در واکنش هایشان از جمله ویژگی های سینما

است .

تحول جوامع انسانی از منظر مک لوهان :

(۱) عصر ارتباطات شفاهی و زندگی دودمانی قبیله ای

(۲) عصر ارتباطات کتبی و چاپی و جامعه ی فرد گرا

(۳) عصر ارتباطات الکترونیک و دهکده ی جهانی

ویژگی های عصر ارتباطات شفاهی و زندگی دودمانی قبیله ای :

نخستین مرحله ی زندگی اجتماعی انسان ؛ دوره ی تمدن های ابتدایی فاقد کتابت ؛ برتری تسلط شفاهی و دریافت های شنیداری ؛ استفاده انسان از هر پنج حس خود بطور طبیعی ؛ حس شنوایی پر کاربرد ؛ زیست انسان در یک مجموعه ی هماهنگ و طبیعی و برقراری پیوند با گروه اجتماعی خویش ؛ صورت پذیرفتن ادراک بطور مستقیم از جهان خارج بوسیله ی حواس طبیعی ؛ زندگی جمعی انسان و گفت و گوی جمعی پیرامون امورات ؛ فقدان هویت شخصی و زندگی خصوصی برای انسان ؛ محدودیت شعاع و حوزه ی نفوذ کلام و صدای انسان و زیست انسان بصورت طوایف و قبایل کوچک ؛ بیسوادی فراگیر افراد و رشد نامنظم اندیشه های آنان و انتقال اطلاعات و مهارت ها بصورت سینه به سینه .

ویژگی های عصر ارتباطات کتبی و چاپی و جامعه ی فردگرای مک

لوهان : برتری حس بینایی نسبت به حواس دیگر ؛ تغییر محتوای تفکر بشری ؛ انهدام نظام قبیله ای و پیدایی فردگرایی ، نخبه گرایی و ناسیونالیسم بواسطه ی نیاز به تعمق شخصی و تمرکز حواس در نوشتن ؛ تحت سلطه بودن تمدن خط و کتابت زیر نظر تمدن زبان شفاهی تا موعده اختراع چاپ ؛ آغاز حقیقی دوران تمدن بصری با اختراع چاپ و پدیدآیی کهکشان گوتنبرگ ؛ شکست انحصار آموزش از دست اشراف و عمومیت بخشی آن با اختراع چاپ ؛ ایجاد تردیدهای جدی در ذهنیت نخبه گرایی ؛ از منظر مک لوهان ، تمامی دستاوردهای غربی از صنعت چاپ ناشی شده است ؛ سرآغاز عصر مصرف که نخستین محصول آن ، کتاب بود که موجب مطالعه ی شخصی و تقویت استدلال ، فردگرایی و خردگرایی را به ارمغان آورد ؛ سخت بودن سلطه ی دیرپای خواندن و نوشتن و اتمام بوسیله ی بمباران حسی رسانه های جدید ؛

از منظر مک لوهان ، اختراع چاپ یک گناه اصلی انسانی و سرچشمه ی تمام بدبختی های ناشی از تمدن صنعتی است ؛

ویژگی های عصر ارتباطات الکترونیک و دهکده جهانی :

درمان فقر ناشی از کتاب بوسیله ی تلویزیون ؛ وسایل ارتباط الکترونیک وسایلی برای نجات بشر از بردگی ماشین ؛ از میان رفتن عصر ارتباطات شفاهی و زندگی قبیله ای بر اثر توسعه ی خط الفبایی و صنعت چاپ ؛

زوال زندگی فردگرایی ناشی از برتری یافتن حس بینایی با پیشرفت و گسترش وسایل ارتباطات الکترونیکی در سومین دوره ی زندگی اجتماعی انسان ؛ معتبر ساختن حس شنوایی توسط ارتباطات الکترونیک و ضرورت بخشیدن به ادراک حسی بوسیله ی آن ؛ دگرگونی همه چیز بوسیله ی وسایل الکترونیک ؛ دگرگونی چهره ی کار و زندگی اجتماعی و نزدیکی ملت ها و جوامع به هم و پیدایی دهکده ای به پهنای کره ی زمین بنام دهکده ی جهانی ؛ قائل شدن نقش بسیار برای تلویزیون ؛ قدرت تلویزیون در ایجاد جو احساس بر انگیز در سراسر یک منطقه و حتی یک قاره ؛ جایگزینی اصالت و تنوع به جای پاره کردن و تخصصی کردن تولید و عرضه و باز شدن راه برای مشارکت واقعی کلیه ی افراد بعنوان امری مسلم در آینده ؛

عدم سازگاری روش آموزشی با واقعیات دنیای امروز و وجود بحران های دانشگاهی به دلیل عدم انطباق نظام آموزشی با شرایط ارتباط الکترونیک و ضرورت بازنگری در شیوه های آموزشی ؛ از منظر مک لوهان ، هدف آموزش و پرورش باید بازگرداندن اصالت و ابداع به انسان باشد و در دانشگاه های فردا ، دانشجویان آزادانه رشد و تکامل خواهند یافت و دوگانگی میان کار و فراغت از بین خواهد رفت ؛

از میان رفتن جذابیت جنسی بر اثر مشارکت همه جانبه ناشی از وسایل الکترونیک و بروز علاقه ی افراد به مشارکت در شئون دیگر زندگی ؛

در ادبیات آینده از نظم و نسق موضوعی و تداوم تاریخی خبری نخواهد بود و آثار تحت تاثیر تصویر تلویزیونی بهم ریختگی موزائیک وار پیدا خواهند کرد ؛

استاین برگ و مک لوهان :

از منظر استاین برگ ، جداسازی شکل و محتوا چه در هنر و چه در زندگی ناممکن است و این دو مکمل یکدیگر و جدا ناشدنی اند ؛

ایراد او به نظریات مک لوهان کم اهمیّت جلوه دادن محتوا در برابر وسایل است به نحوی که آراء مک لوهان را به سخره می گیرد .

پروفیسور مولانا حمید و دو ضعف درونی مکتب جبر تکنولوژی :

(آ) تنها به جنبه های مادی و فنی آن می نگرند و آنرا مشخصه ی اصلی و معرف رسانه می داند و این نظریه به تکنولوژی بطور منفرد نگاه می کند و برای این موضوع که از رسانه چگونه و به چه منظوری استفاده می شود ، اهمیتی قائل نیست و صرفا به کاربرد آن توجه می کند .

(ب) این دیدگاه صرفا بر شواهد تاریخی متکی است و از خود هیچ نوع پویایی ندارد ، کاملا بر تجارب غربی استوار است و بنابراین ، همین که در صدد گسترش بر می آید ، با مشکل مواجه می گردد .

ژان کازنو و مک لوهان :

از منظر ژان کازنو ، نمی توان نظریات مک لوهان را علی رغم ضعف استدلال و گاه آشفتگی مطالب تا مرز تخیلی یا به بهانه ی داشتن لحنی طنزآلود نپذیرفت ؛ آثار مک لوهان نشانگر کوششی است که از سالها پیش برای کشف مسیری که تحولات کنونی جامعه خواهد پیمود ، صورت گرفته است .

در مفهوم عام ، پدیده ای است جهانی که در همه جا وجود دارد و به نیازهایی پاسخ می دهد که برای تمامی افراد مشترک است ، فی الواقع جامعه ی انسانی نمی تواند بدون نظام ارتباطی به حیات خود ادامه دهد .

نکته : از منظر ماری روشبلا و سپانله ، این اصطلاح را نخستین بار ، افرادی نظیر کوتزل ، لینتون و پارسونز در سالهای ۱۹۳۲ در سه مقاله ی جداگانه به کار بردند .

نکته : مفهوم نقش را باید در رابطه با پایگاه یا منزلت بیان کرد .

لینتون و نقش : نقش جنبه ی پویایی منزلت یعنی نگرش ها و ارزش ها و رفتارهای تعیین شده بوسیله ی جامعه در رابطه با منزلت های اجتماعی مشخص است .

پارسونز و نقش : نقش تجلی منزلت اجتماعی در قالب عمل است فی الواقع ، نقش جنبه ی پویا و منزلت جنبه ی ایستا است .

پایگاه و نقش :

پایگاه موقعیت ویژه ی اشغال شده در جامعه توسط فرد است و نقش ، رفتاری است که از شخص صاحب منصب انتظار می رود ، بنابراین شخص دارنده ی موقعیت و پایگاه اجتماعی ، باید به آن انتظار پاسخ دهد و آنرا برآورده سازد .

نکته : پیچیدگی کمتر مفهوم نقش در مفهوم نقش های وسایل ارتباط جمعی ، به این دلیل است که پژوهشگران بر اساس نیازهای جامعه ، الگوهای رفتاری این وسایل را مشخص کرده اند نکته : عمده ترین نقش وسایل ارتباط جمعی در حال حاضر ؛ فرهنگ سازی ، آموزش ، اطلاع رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی است .

نکته : از منظر (س.پ.اسکات) اولین سردبیر روزنامه ی گاردین ، امور مقدس اند و تفاسیر آزاد ؛ اسکات دو نقش برای وسایل ارتباط جمعی قائل است ، یکی نقش و کارکرد اطلاع رسانی و دیگری نقش و کارکرد بیان عقاید .

(۱) وظیفه ی اخلاقی « حمایت از هنجارهای اجتماعی »

(۲) امکان اعطای پایگاه اجتماعی

(۳) برخی وظایف نامطلوب همانند تخدیر اجتماع با ایجاد نوعی مشارکت خیالی در واقعیت

لاسول و وظایف ارتباط جمعی ، بر گرفته از مقاله ی ساخت و کارکرد ارتباطات در جامعه :

(۱) حراست از محیط ؛ (۲) ایجاد همبستگی میان اجزای جامعه

(۳) انتقال میراث های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر

(۴) نقش و کارکرد اجتماعی کردن ، تفریح ، سرگرمی و فرار از موقعیت .

نقش های دیگر برای ارتباط جمعی :

برقراری ارتباط پویا و زنده با پیام گیران ؛ حفظ تنوع و تازگی در تولیدات فرهنگی ، فکری ، سیاسی ؛ عرضه ی اندیشه های نوین

نقش وسایل ارتباط جمعی در آموزش

آموزش از منظر سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) :

تمام کنش ها و اثرات ، راه ها و روش هایی را که برای رشد و تکامل توانایی های مغزی و معرفتی و همچنین مهارتها ، نگرش ها و رفتار انسان بکار می روند ، البته به طریقی که شخصیت انسان را تا ممکن ترین حد آن تعالی بخشند ، تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش گویند .

نکات :

(۱) آموزش یک فرآیند پیگیر است که تداوم آن ، تمامی حیات انسان را در بر می گیرد و از این رو برای آموزش ، نه زمانی معین وجود دارد و نه مکانی مشخص . (۲ //) تا اوایل قرن بیستم ، مدرسه سرچشمه ی اصلی دانش و معلم منتشر کننده ی مجاز آن بود . (۳ //) از منظر برخی آموزش و پرورش میراث اجتماع را انتقال می دهد درحالیکه رسانه ها ، دانش زمان را در اختیار مردم قرار می دهند .

نکات :

(۱) رسانه های ارتباطی ، خواه برنامه ریزی شده و خواه بدون برنامه ، آموزش دهنده اند چرا که مردم همواره از آنها تاثیر می پذیرند و می آموزند . (۲) رسانه های ارتباطی ، نظام آموزش موازی برای شهروندان در برابر نظام آموزش مدرسه ای هستند . (۳) جایگاه ویژه رادیو و تلویزیون از لحاظ آموزش غیر رسمی در میان رسانه های جمعی شامل مواردی از قبیل : خصلت سرگرم کننده ، بُرد وسیع ، بهترین وسایل آموزشی و فرهنگی ، منطقی بودن تفاوت های چشمگیر در کاربرد و محتوای آموزشی ؛ در جوامع گوناگون است .

(۴) تا سال ۱۹۶۱ ، در ایالات متحده ی آمریکا ، بیش از ۶۰ ایستگاه تلویزیون آموزشی ایجاد شد و در این کشور ، ابتدا ، تلویزیون آموزشی را صد در صد درسی می دانستند ؛ فی الواقع وظیفه ی تلویزیون ، کمک به رفع مشکلات کمی آموزش در شرایط کثرت شمار دانش آموزان ، کمبود معلم با تجربه ، کمبود تسهیلات و کمک در جهت انجام وظایف آموزشی و نظایر آن بود که علل ظاهری شکست تلویزیون آموزشی در آمریکا را فقدان تخصص فنی و محدودیت در منابع مالی می دانند .

تمهیدات صورت گرفته در آمریکا برای رفع مشکلات تلویزیون آموزشی تا

سال ۱۹۶۸ : تمرکز تولید ؛ تاسیس شبکه های تلویزیونی ؛ کاهش تولید برنامه های محلی .

نکته : بر خلاف ایالات متحده ی آمریکا ، تلویزیون آموزشی در بیشتر کشورهای اروپایی ، در خود سازمان های رادیو و تلویزیون عمومی آنها جای داشت مثلا در انگلستان ؛ BBC ؛ در عین آنکه مشغول تولید و پخش برنامه های اطلاعاتی ، آموزشی و سرگرم کننده بود ، در این سازمان ، بخش خصوصی برای برنامه های درسی بوجود آمد تا برنامه هایی برای بهبود کیفیت دروس بعنوان مکمل درس مدارس کشور ، تولید و پخش کنند ؛ لازم به ذکر است که در انگلیس که شیوه ی برخورد تلویزیونی داشتند تلویزیون آموزشی مانند آمریکا ، موفقیت آمیز نبود که دلایلی داشت از جمله بی ارتباط بودن برنامه های تلویزیون آموزشی با برنامه های درسی ادارات محلی آموزش و پرورش ، چرا که تا سال ۱۹۶۴ ، نظام های آموزشی محلی و غیر متمرکز در نگلستان پیشگام بود .

نکته: فقدان معلم با تجربه و بالا بودن نرخ بی سوادى مردم در ایتالیا باعث کشف شیوه ی آموزش از راه دور شد همچنین دورى از موسسات آموزشی و پراکندگی جغرافیایی در ژاپن موجب تاسیس دبیرستان مکاتبه ای ان، اچ، کی شد.

علائم اختصاری:

تلوزیون آموزشی در آمریکا: (ITV) INSTRUCTIONAL TELEVISION
تلوزیون آموزشی در انگلیس: (ETV) EDUCATIONAL TELEVISION

نکته: در ایالات متحده ی سالهای ۱۹۶۵-۱۹۷۰، بیش از پیش متوجه تفاوت میان ITV و ETV شدند بعبارت دیگر ITV یا تلوزیون درسى به ارتباط متقابل میان گیرنده با درس تلوزیونی اطلاق می شد که با انتشار گزارش کمیسیون کارنگی پیرامون تلوزیون آموزشی، از قوت کلمه ی آموزشی کاسته شد و بتدریج تلوزیون عمومی جای آنرا گرفت و یکی از نتایج این تغییر نام و کارکرد این بود که تلوزیون آموزشی بیشتر متوجه عموم شد تا مدارس.

نکته: در اروپا، تلوزیون آموزشی EDUCATIONAL و فرهنگ بخش ترجمه EDUCATIVE است. در آمریکا برنامه های آموزشی رسمی تلوزیون، برنامه های درسى؛ و برنامه های آموزشی غیر رسمی تلوزیون، برنامه های آموزشی عمومی است نکته: NHK، تنها سازمان رادیو تلوزیون غیر رسمی ژاپن است که تاکید بر اجرای هر چه بهتر و پر بار تر برنامه های آموزشی گذاشته است.

نکته: تاکید بر مضمون فرهنگی آموزش، نتیجه ی تغییر نگرش نسبت به مساله ی آموزش است که حیات فرد را بطور کلی، یک فرآیند مداوم یادگیری می داند.

نکته: همه ی برنامه های رادیو و تلوزیون، عملا توان آموزشی دارند زیرا حاوی پیام هایی با بار فرهنگی به معنای وسیع کلمه هستند وانگهی سیر پیشرفت تکنولوژی این دو رسانه و رسانه های خویشاوند آن نیز موجب گسترش بُرد و تنوع کارکرد آموزش آنها شده است.

نکته: اصول فعالیت های آموزشی درسى تلوزیون، شامل برنامه هایی است که اولاً هدف آنها آموزش مستقیم یا غیر مستقیم باشد ثانیاً این آموزش ها هم به شکل رسمی و هم به شکل غیر رسمی انجام گیرد.

چهار ویژگی عمده ی برنامه های رادیو و تلوزیون از منظر یونسکو:

۱) مجموعه ی متوالی برنامه ها به منظور کمک به یادگیری (تزایدی؛ ۲) صورت پذیرفتن طراحی و برنامه ریزی آنها مشخصاً با کمک مشاوران آموزشی؛ ۳) همراهی با دیگر مواد آموزشی همچون متون درسى و راهنمای مطالعاتی؛ ۴) ارزیابی استفاده این برنامه ها توسط استاد و شاگرد.

رسالت فرهنگی رادیو و تلوزیون: رادیو و تلوزیون می تواند در کنار برنامه های درسى، برنامه هایی نیز برای ارتقاء سطح دانستنی ها و معلومات عموم و اعتلای سطح دانش فنی و مهارت قشرهای معیّتی از جامعه و تشویق ذوق هنری آنها تهیه و پخش کند که به آن نقش و رسالت فرهنگی این دو رسانه می گویند.

مک لوهان و اهمیت تلوزیون های آموزشی:

اهمیت نقش آموزش تلوزیون، هنگامی آشکار می شود که می بینیم کودکی سه ساله می تواند در کنار پدر و پدر بزرگش، کنفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور را به آسانی تماشا کند.

نکته: امکانات و نوآوری های تکنولوژیک، تنها هنگامی می توانند در یک نظام آموزشی موثر واقع شوند که پاسخگوی نیازهای واقعی آن جامعه باشد.

نقش رادیو و تلوزیون در امر آموزش:

۱) انتقال دنیای خارج به کلاس و برانگیختن علائق دانش آموزان به یادگیری و تحریک قدرت تصوّر آنان
۲) ارائه ی اطلاعات کلی و موجز پیرامون برنامه ها به منظور تسهیل امر یادگیری

۳) نمایشی کردن برنامه های زندگی روزانه کودکان

۴) تطبیق مواد درسى آموزشی رسانه ای با برنامه های مدارس و ایفای نقش کمک آموزشی

۵) پوشش همه ی انسان ها در تمام اوقات روز و تمام عمر افراد

مهمترین نقش و کارکرد وسایل ارتباط جمعی:

پی جویی و گردآوری اطلاعات پیرامون حوادث و رویدادهای ملی و فراملی و انتقال آنها به عموم مردم بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب گروهی.

نکته: برخی خبر را، گزارشی فشرده و بازتابی دقیق از یک رویداد می دانند و شماری دیگر، خبر را گزارشی مناسب که برای بخش عمده ای از مردم جالب توجه است، تلقی می کنند.

اخبار از منظر والتر لیپمن (مفسر و خبرنگار معروف آمریکایی):

اخبار انعکاس موقعیت های اجتماعی نیستند بلکه گزارش جنبه های مطرح شده در جامعه اند. اخبار به مسائلی می پردازند که فوری و تازه و الزاما پیچیده و مبهم باشند. او معتقد است که خبر و حقیقت یکی نیستند. وظیفه ی خبر این است که حادثه ای را مطرح کرده، بر سر زبان ها بیاندازد و حال آنکه وظیفه ی حقیقت آن است که واقعیت نهفته و نامعلوم را روشن کرده، آنها را به هم ربط داده و تصویری از واقعیت بدست دهد که بشر بر اساس آن عمل کند.

نکاتی که در خبر باید رعایت شوند:

۱) تازه بودن رویداد بعنوان خبر؛ ۲) با اهمیت بودن محتوای خبر؛ ۳) جاذب بودن موضوع خبر؛ ۴) جامع و کامل بودن خبر ۵) کوتاه و فشرده بودن خبر

نکته: تازگی رویداد و اهمیت محتوا، سنگ پایه ی اصلی خبر را تشکیل می دهند.

نکته: مهم بودن خبر، امری نسبی است بدین معنا که ممکن است خبری در جامعه ای با اهمیت تلقی شود و در جامعه ی دیگر بنا بر معیارها و ضوابط آن جامعه، خبر مهمی محسوب نشود. همچنین در فن خبر نویسی و تدوین خبر؛ کامل و جامع بودن از جمله مواردی است که باید رعایت شود.

انتخاب گزینش اخبار:

اعضای واحدهای خبر رسانه های جمعی شامل گزارشگران، دبیران و سردبیران و مترجمان که اصطلاحاً آنان را «دروازه بانان» می نامند وظیفه ی انتخاب اخبار را بر عهده دارند.

عوامل موثر بر تصمیم گیری های خبری :

- ۱) ارزش ها و پیش زمینه های ذهنی و فردی گزارشگران و خبرنگاران رسانه های جمعی
 - ۲) ارسای خواستی و نیازهای پیامگیران
 - ۳) دخالت سردبیران که معمولاً رئیس یا عضو ارشد یک بخش محسوب می شوند
 - ۴) شیوه ها و مقررات سازمان ارتباطی
- نکته :** رادیو و تلویزیون در عصر ما ، مهمترین وسیله ی پخش اخبار یا اطلاع در عصر ما محسوب می شوند .

روشهای دگرگونی فضا توسط تلویزیون :

- ۱) از میان برداشتن فاصله میان تماشاگر و نمایش
- ۲) حذف مرز میان زندگی خصوصی و زندگی اجتماعی
- ۳) کوچک و محدود نمودن هر حادثه ای ولو در ابعاد وسیع بر روی صفحه ی کوچک خود .
- ۴) به اتفاقات و حوادث ، چهره ای حزن برانگیز یا لذت بخش می دهد

دو ویژگی عمده ی تلویزیون : صمیمیت ؛ سرعت انتقال

- نکته :** تنها امتیازی که حضور افراد در صحنه دارد این است که افراد می توانند به میل خود تصاویر حائز اهمیت را بر گزینند .
- نکته :** امروزه انسان در پرتو امواج صوتی و تصویری ، نه تنها در محیط کوچک زندگی خود حاضر است بلکه در عین حال در همه ی نقاط عالم ، در فضا و حتی تا حدودی در زمان نیز حضور دارد .
- نکته :** وظیفه و نقش وسایل ارتباط جمعی بویژه رادیو و تلویزیون انتشار جریان رویدادهای اجتماعی است .

آلفرد سویی و نیاز به اطلاع : در هر حال انسان جدید نیازمند مطلع شدن است و دموکراسی نیز بدین معنی است ؛ آلفرد سویی می گوید : افرادی که خوب مطلع شده باشند ، همشهری ها و اتباع کشور اند و افرادی که بد مطلع شوند ، هویتی نخواهند داشت .

ژان گائو و تلویزیون بد : یک تلویزیون وقتی بد است که

همشهریانی بسازد که بتوان بر آنها به آسانی حکومت کرد . ۳۴

نقش خبر رسانی وسایل ارتباط جمعی : نوعی ایجاد ارتباط با جامعه ی خودی و بیگانه است که این امر موجب از میان بردن انزوای افراد می شود و احساس مشترک و همدردی با جامعه را در آنها احیاء می کند که در نهایت به ایجاد همبستگی میان افراد بصورت یک ملت و یاری کردن به آنها به منظور تعیین هویت ملّی و فردی خویش می انجامد ؛ با استفاده از رسانه های جمعی نوین و تلفیق آنها با روش های رسانه ای جمعی سنتی بویژه در کشورهای در حال توسعه می توان امید فراوانی به حصول این اهداف در زمان مناسب داشت .

نقش وسایل ارتباط جمعی در گذراندن اوقات فراغت :

پدیده ای است که رابطه ای نزدیک با تکنولوژی دارد و از ویژگی های تمدنی است که از انقلاب صنعتی زاده شده است و به این معنی است که : زمان آزادی است که فرد در اختیار دارد و آنرا به میل خود صرف می کند بعبارت دیگر ، فراغت مجموعه ای از فعالیت ها است که فرد با رضایت خاطر یا برای استراحت یا برای سرگرم شدن و یا افزایش اطلاعات یا آموزش و مشارکت اجتماعی ، داوطلبانه پس از فارغ شدن از کارهای موظف شغلی ، خانوادگی و اجتماعی به آن می پردازد .

کارکردهای مثبت فراغت از منظر ژورفردو مازدیه :

- ۱) به آدمی فرصت رفع خستگی ناشی از کار را می دهد //
- ۲) از طریق تفریح ، دنیاهای تازه ای گشوده می شود که آدمی می تواند از خستگی روزانه ی ناشی از انجام دادن یک رشته وظایف محدود و تکراری به آنها پناه ببرد //
- ۳) به فرد امکان می دهد تا کارهای قراردادی و تکراری را که نهادهای اساسی اجتماعی به او تحمیل می کنند ، پشت سر گذارد و به حوزه ای فراتر از خویشتن پای نهد که در آن نیروهای آفریننده اش ، آزادانه بتوانند با ارزشهای مسلط تمدن به مخالفت برخیزند و یا آنها را تقویت کنند . // **نکته :** وسایل ارتباط جمعی بعنوان مهمترین ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به شمار می روند .

نکته : نخستین بار ارسطو دریافت که علت اصلی استقبال مردم

از تراژدی یونانی باستان ، فرا فکنی است .

۳۵

فواید تلویزیون :

- آ) وسیله ای جهت مبارزه با بیسوادی و جهل و استثمار
 - ب) ایجاد مشارکت و دخالت فعال افراد
 - ج) وسعت بخشیدن به افق دید افراد بوسیله ی نقش آموزشی خود //
 - د) محرّکی جهت درمان بیماری های روانی
 - ه) ارضای آرزوها و انطباق افراد با جامعه
- پژوهش های استوتزل پیرامون جامعه ی فرانسه :**

مردم مطالعه ی نشریات را فعالیتی تفریحی می دانند و ۲۶ درصد افراد ، در نبود نشریات احساس تنهایی می کنند و زندگیشان غم انگیز و یکنواخت می شود (در خلال اعتصاب مطبوعات)

شامپانی و مسئله ی تلویزیون :

تنها ۱۲ درصد از کسانی که با آنها مصاحبه شده است به تنهایی تلویزیون نگاه می کنند ؛ ۸۷ درصد دیگر در جمع خانواده ها به تماشای تلویزیون می نشینند ؛ فی الواقع تلویزیون وسیله ی سرگرمی اوقات فراغت است که با بسیاری از جنبه های زندگی خانوادگی پیوند دارد بویژه با مراسم صرف شام که دقایق مهمی در زندگی روزانه ی هر فرد فرانسوی به شمار می رود ، بنابراین شامپانی نتیجه می گیرد که به علت تاثیر تلویزیون ، شیوه ی زندگی سنتی توده ها در محدوده خانواده در حال تغییر است .

اعتقاد برخی متفکران و اندیشمندان :

رسانه ها ، مخاطبان بیشتری را با شاهکارهای گذشته و حال آشنا کرده اند و برنامه های سرگرم کننده با سهولت بسیار بیشتری در دسترس مردم قرار گرفته است و بدون شک برنامه های سرگرم کننده پاسخگوی یک نیاز واقعی است لیکن بسیاری از این برنامه ها آنقدر مبتذل و کلیشه ای است که به جای برانگیختن قوه ی ابتکار ، آدمی را کودن می سازد .

بیروکف و گیرنده ی تلویزیون :

گیرنده ی تلویزیون به مثابه ی یک وسیله ی سرگرمی خانوادگی ، مورد توجه قرار می گیرد و این امر باعث پرورش نوعی شخصیت جفت و جور با طبقه ی حاکم می شود ، شخصیت قانع و راضی که تنها به مصرف می اندیشد .

ارتباطات به معنای عام بیانگر ساختارهای سیاسی اقتصادی و فرهنگی در یک جامعه ی مشخص است، بنابراین فرآیند توسعه ، رابطه ی پایداری با تعامل میان مردم و مشارکت فعال گروه های مختلف اجتماعی دارد که این امر در پرتو نظام جامع ارتباطی - اطلاعاتی که می تواند تا حد زیادی در رفع اختلافات ، تضادهای موجود در ارزش ها و رفتارهای مردم و فراهم آوردن محیط مساعد برای توسعه ی ملی ، موثر باشد .

پژوهش دانیل لرنر :

از جمله پژوهش هایی است که درباره ی نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه صورت گرفته (در چشم انداز میدانی) و تحت عنوان (گذر از جامعه ی سنتی : نوسازی خاورمیانه) ، مطرح می باشد ؛ در این پژوهش ، دانیل لرنر آمریکایی در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۰ ، مسئول پژوهشی در خاورمیانه از طرف موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه کلمبیا شد که در این پژوهش ۱۶۰۰ نفر از میان مردم کشور های ایران ، مصر ، ترکیه ، سوریه ، لبنان و اردن ؛ را بعنوان جامعه ی نمونه انتخاب کرد و هدف اصلی از این پژوهش ، آن بود که نشان دهد استفاده از وسایل ارتباط جمعی تا چه اندازه می تواند نگرش و عقیده ی مردم را نسبت به توسعه ی سیاسی و اقتصادی و ملی این کشورها تغییر دهد .

نتایج پژوهش نوسازی خاورمیانه لرنر :

۱) شهرنشینی ، باسواد ، آموزش و رسانه های جمعی ، انسان های سنتی جهان سوم را در معرض جنبه های مختلف زندگی نوین بر اساس الگوی جدید رفاهی و ابزارهای نوین برای خشنودی انسانهای نو قرار می دهد .

۲) این تجربیات در نگرش ها و و هنجارهای انسان های سنتی تغییراتی پدید می آورد و موجب بالا رفتن سطح آرزو ها و انتظارات آنها می شود .

۳) توانایی و ظرفیت یک جامعه ی در حال گذار برای برآوردن آرزوها و انتظارات و توقعات مردم ، سرخوردگی و ناکامی ، بی ثباتی و نارضایتی در جامعه پدید می آورد .

نگاه لرنر : از منظر لرنر ، بر اساس الگوی نوگرایی ، حرکت از مرحله ی سنتی به مرحله ی گذار و سپس به مرحله ی جامعه ی نوین همراه با تغییر نظام های سنتی به نظام های نوین و نه بالعکس همراه بوده است ؛ او بر آن است که تفاوت این دو نظام اینجاست که ارتباطات میان فردی سنتی به تقویت نگرش ها و آداب سنتی می انجامد حال آنکه ارتباط جمعی ، مهارتها ، نگرش ها و رفتارهای تازه را می آموزد بنابراین رسانه های جمعی ، تقویت کنندگان تحرک اند و این امر به این معنا است که رسانه های جمعی در برابر مخاطبان فزاینده ی خود ، هم از ظرفیت برقراری ارتباط با نوع تغییر و هم از ظرفیت برقراری با امکان تغییر برخوردارند .

((لرنر بر این باور است که میان شاخص رسانه ای نوگرایی و سیر نهادهای اجتماعی ، نوعی کنش متقابل وجود دارد))

نکته : نظر لرنر دائر بر اینکه دسترسی رسانه های جمعی ، پیش شرط مشارکت در جامعه ی نوین بوده و رسانه های جمعی ، مستقما بر نگرش ها و رفتارهای فردی تاثیر می گذارند ، مطرح گردیده است .

نظر لوسیان پای و اتیل دوسولاپول : لوسیان پای معتقد بود که همه ی جنبه های ارتباطات و ترجیحا خود رسانه های جمعی ، عوامل اصلی مشارکت سیاسی اند و اتیل دوسولاپول ، به این موضوع که رسانه ها به همان اندازه در تغییر نگرش ها و مهارت ها موثراند بدبین بود

نتیجه گیری لرنر :

ارتباط جمعی بصورت یک عامل بسیار بزرگ تکثیر کننده ، می تواند در مسئله ی رشد و عمران دخالت کند و اطلاعات و نگرش های لازم و بایسته را در حد غیر قابل تصویری ، سرعت و در یک محدوده ی وسیع ، نشر و توسعه دهد . **نکته :** میان رشد اقتصادی و رشد مسائل ارتباطی از لحاظ آماری ارتباط بسیاری وجود دارد بعبارت دیگر ، با سرعتی که درآمد سرانه ی ملی مردم یک کشور افزایش می یابد و افراد بیشتری به سوی زندگی شهری و امکانات ویژه ی آن روی می آورند و از نعمات اجتماع صنعتی برخوردار می شوند تقریبا با همان سرعت بر میزان طبقه ی باسواد افزوده می شود و در نتیجه روزنامه طرفدار زیادتری پیدا می کند و مردم از وسایل ارتباط جمعی استفاده ی بیشتری می کنند .

نتایج پژوهش دویچ من در روستای توسعه نیافته ی آند :

* بررسی تاثیر متغیرهایی همانند سن ، بُعد خانوار و سطح آموزش **///** * وجود همبستگی زیاد میان متغیرهای پیشین و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی **///** * وجود رابطه ی نزدیک میان میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و متغیر های پسین نظیر زمان لازم برای پذیرش برخی نوآوری ها **///** * حائز اهمیت بودن خانوار بعنوان واحدی اساسی ، بیش از فرد ، در بررسی های مربوط به چگونگی استفاده از وسایل ارتباط جمعی **نکته :**

راجرز ، متغیرهای پرورش و میزان مختلط بودن شهرها را به متغیرهای پیشین در میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی می افزاید .

پژوهش گرین و هارین :

گرین برگ در ۳۲ کشور که موضوع مطالعه ی او بودند میان دو مسئله ی سواد و درآمد سرانه (۷۲ درصد) ارتباط پیدا کرد ؛ هارین گزارش کرد که میان ثبت نام اطفال و جوانان در مدارس متوسطه و دانشگاه ها و درآمد سرانه ی ملی ، ارتباطی معادل ۸۸۰ درصد وجود دارد .

نتیجه گیری رانو :

هنگامیکه اطلاعات و افکار نو از خارج به روستاها و دهات دور افتاده و جدا از اجتماعات صنعتی می رسد ، تغییر و تحوّل نیز به دنبال آن خواهد آمد . از منظر رانو ، یکی از اختلافات قابل توجه دو دهکده در وجود راه و جاده ای است که روستای الف را به شهر کوچکی در نزدیکی و همسایگی آن مربوط می سازد .

یک سوال مهم هارین :

آیا رشد ملی موجب توسعه ی ارتباطات و پیشرفت و مسائل ارتباطی می شود و یا بر عکس ، هر قدر وسایل ارتباطی بهتر و کاملتری در اختیار مردم یک کشور باشد و در نتیجه طبقات مختلف اجتماع بتوانند اطلاعات لازم و مورد قبول را آسانتر دریافت کنند ، رشد اقتصادی و اجتماعی به نحو موثرتری حاصل

مطالعه ی علمی دو روستا در هندوستان که یکی دارای چند مرکز صنعتی است و دیگری تهی از نمادهای توسعه و دارای سیستم تبادل پایاپای اقتصادی است .

ویلبر شرام و نقش وسایل ارتباط جمعی در جهان سوم :

ترغیب مردم در کشورهای در حال توسعه به تصمیم گیری پیرامون توسعه ؛ زمینه دادن به آنها برای مشارکت موثر ؛ تسریع و هماهنگ کردن تحولات مورد نظر ؛

این مسئله بطور کلی یک روند انعطاف ناپذیر و نامعین نیست و چنانچه جریان ارتباطات اجازه دهد ، مردم نیز می توانند کارهای بسیاری انجام دهند ؛

تعیین اهداف و تصمیم گیری پیرامون زمان و چگونگی تغییرات و اینکه جامعه ی خود را به چه چیزی می خواهند تبدیل کنند ، در زمره ی این انعطاف است .

شرام و نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه ی ملی :

رسانه های جمعی درباره ی میزان و انواع اطلاعاتی که در کشورهای در حال توسعه در دسترس مردم قرار دارد می توانند مشارکت کنند ؛ آنها می توانند افق ها را گسترش دهند ، به انتقال افکار کمک کنند و سطح فکری و ملی را بالا ببرند ؛ آنها می توانند همه ی اینها را مستقیماً خودشان انجام دهند .

مسئله حائز اهمیت مطالعه ی ویلبر شرام در کشورهای جهان سوم :

توسعه ی اقتصادی جز در صورت تحقق توسعه ی اجتماعی میسر نیست و توسعه ی اجتماعی مستلزم بسط آموزش و اطلاعات است بنابراین باید پذیرفت که وسایل ارتباط جمعی ، تأثیری قطعی بر توسعه ی فرهنگی و از خلال آن توسعه ی اقتصادی خواهند داشت ؛ برای گسترش زراعت و صنعت باید سرمایه گذاری های اجتماعی را رونق بخشید و این امر متضمن بسیج منابع انسانی است که در آن میان ، آموزش عاملی است اساسی .

مردمان آفریقا در جوامعی با ویژگی های گوناگون ساکن اند ؛ در طول زمان و از طرق مختلف ، شکل خاص ارتباطی مورد نیاز خویش را بوجود آورده اند و این شکلی است که در یک زمان معین از هر نظر ، نیازمندی هایشان را برآورده می ساخته است

با همان سرعتی که مردم آفریقا ، کارها و ارزش های بیشتری را از مردم مغرب زمین به عاریت می گیرند ، به نحو عجیبی بر وسایل نشر و توسعه ، بویژه وسایل ارتباط جمعی و فرهنگی که جذب کرده اند متکی می شوند .

آفریقای جدید ، آمیزه ای از سیستم ارتباطی تازه و سنتی را در اختیار دارد و علت این امر را باید در این نکته جست و جو کرد که هر دو سیستم از سویی نمایانگر تغییراتی است که انجام می پذیرد و از سوی دیگر ، خود به نحو قابل ملاحظه ای تحت تأثیر این تغییرات قرار می گیرد .

نکته :

مشاهدات دوب در آفریقا ، نظریات لرنر و راثو را تأیید می کند و توجه به نتایج تحقیق این دانشمندان نیز موید این نکته ی مهم است که :

اطلاعات در دوران تغییر و تحول فرهنگ ، نقش بسیار مهم و برجسته ای را بر عهده دارد و میان رشد و توسعه ی سیستم ارتباطی و رشد اجتماعی و اقتصادی ، رابطه ی تأثیر و تأثر بسیار نیرومندی را می توان احساس کرد .

این اندیشمند برزیلی از جمله اندیشمندانی است که در سالهای اخیر با نگرش انتقادی به الگوهای حاکم غربی در زمینه ی اقتصادی و توسعه ی اجتماعی و نیز نقش ارتباطات در نوسازی کشورهای جهان پرداخته است .

فریره ، ارتباطات و نظام های آموزشی کنونی را بعنوان شبکه های سلطه گری و تسلیم طلبی خلق ها در جهان سوم معرفی می کند .

به عقیده ی او انتقال معلومات از یک منبع معرفتی قدرتمند به دریافت کنندگان انفعالی به هیچ وجه در رشد شخصیت آنها تأثیر مثبت نمی گذارد و به ایجاد خودآگاهی مستقل و انتقادگر و توانا سازی افراد برای مشارکت در حل مسائل اجتماعی کمک نمی کند به همین علت به پیشنهاد او ، نظام کنونی آموزش که او آنرا آموزش مخزنی می نامد و بر معلومات انباشته شده ی معلمان استوار است باید به نظام جدیدی برای آموزش ستمدیدگان تبدیل شود .

اصول نظام جدید آموزشی (نظام ستمدیدگان) از منظر پائولو فریره :

- ۱) اعتقاد به توانایی افراد برای فراگیری ، دگرگونی و رهایی خویش از شرایط سرکوب کننده ی جهل ، فقر و استثمار
- ۲) تماس مستقیم فرا گیرندگان با واقعیت های خاص زندگی و مسائل مربوط به آن ، تجزیه و تحلیل فشارها و محدودیت های تحمیل شده به آنان از سوی ساختار اجتماعی و ایدئولوژی رسمی
- ۳) طرد تفاوت های موجود میان آموزش دهنده و آموزش گیرنده و در نظر گرفتن هر دو بعنوان فراگیرنده
- ۴) مشارکت در کوشش های رهایی دهنده

پایان خلاصه نویسی کتاب مبانی ارتباط جمعی

فصل یک: ارتباط و انواع آن

پیرامون ارتباط :

مصدر عربی باب افتعال ؛ جایگزین communication ؛
مصدری در فارسی : پیوند دادن و ربط دادن ؛ اسم مصدر :
بستگی ، پیوند ، پیوستگی و رابطه

معنای لغوی :

گزارش دادن ، بیان نمودن ، منتقل کردن ، پیوند دادن ، تماس
گرفتن ، منتشر کردن ، شرکت دادن ، عمومی ساختن

معنای ارتباط :

انتقال و انتشار آگاهی و اندیشه ها

ایجاد پیوستگی اجتماعی ؛ اشتراک فکری ؛ همکاری عمومی

ارتباط از منظر ادوین امری :

فن انتقال اطلاعات و افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به
شخص دیگر است . بطور کلی هر فرد برای ایجاد ارتباط با
دیگران و انتقال پیام های خود به ایشان ، از وسایل مختلف ،
استفاده می کند .

ارتباط از منظر کلود شانون و وارن ویور : (کتاب تئوری ریاضی ارتباط)

کلمه ی ارتباط معرفی تمامی جریان هایی است که بوسیله ی
آنان ، یک اندیشه می تواند اندیشه ی دیگری را تحت تاثیر قرار
دهد . ارتباط سبب می شود که وجدان انسان در وجدان دیگران
تصاویر ، مفاهیم ، تمایلات ، رفتارها و آثار روانی گوناگون پدید
آورد .

نکته : ارتباط ، رابطه ی انسانی را از مرحله ی جوهر به مرحله ی
وجود می رساند و از حالت بالقوه به حالت بالفعل در می آورد و

به آن واقعیت تاریخی می دهد .

ارتباط از نگاه انجمن بین المللی تحقیقات جمعی :

وقتی ارتباط گفته می شود منظور ؛ روزنامه ها ، نشریه ها ، مجله
ها ، کتاب ها ، رادیو ها ، تلویزیون ها ، ارتباطات دور (تلفن و
تلگراف و کابل های زیر دریایی) و پست است ؛ همچنین ارتباط
چگونگی تولید و توزیع کالاها و خدمات مختلفی را که وسایل و
فعالیت های فوق را بر عهده دارند و مطالعات و تحقیقات مربوط
به محتوی پیام ها و نتایج و آثار آنها را در بر می گیرد .

معنای ارتباط بصورت منفرد :

جریانی که ضمن آن ، یک پیام از یک منشاء به یک مخاطب
منتقل می گردد و به زبان ساده تر ، ارتباط شامل چگونگی بیان
یک مطلب به یک فرد است .

معنای ارتباط بصورت جمع :

اطلاق به وسایل و روش های ارتباطی ، روزنامه ، سازمان رادیویی
تلویزیونی ، موسسه مطبوعاتی ، کمپانی فیلمبرداری ، چاپخانه

ارتباط از منظر ریموند ویلیامز :

ارتباط در قدیم بمعنای انتقال افکار ، اطلاعات و رفتارها از
شخصی به شخص دیگر بوده است . پیرامون ارتباط بمعنای راه و
وسیله ی حمل و نقل و جابجایی بهتر است برای معرفی وسایل
انتقال انسان ها و کالاها ، بجای ارتباطات ، کلمه ی حمل و نقل
استفاده گردد و اصطلاح ارتباطات به تاسیسات و وسایلی که
وظیفه ی انتقال افکار و اخبار و رفتارهای انسان را بر عهده
دارند اختصاص داده شوند و اصطلاح ارتباط برای معرفی جریان
انتقال و دریافت پیام ها بکار می رود .

ارتباط از منظر گولی در کتاب سازمان اجتماعی : (کاملترین تعریف)

ارتباط ، مکانیسمی است که روابط انسانی ، بر اساس و بوسیله ی
آن بوجود می آید و تمام مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ
آنها ، در مکان و زمان ، بر پایه ی آن ، توسعه پیدا می کند .
ارتباط ، حالات چهره ، رفتارها ، حرکات ، طنین صدا ، کلمات ،
نوشته ها ، چاپ ، راه آهن ، تلگراف ، تلفن و تمام وسایلی که
اخیرا در راه غلبه بر مکان و زمان ساخته شده اند ، همه را در بر
می گیرد .

عناصر اصلی تعریف گولی از ارتباط :

- ۱) تلقی ارتباط بعنوان مبنا ی اساسی روابط انسانی .
- ۲) ارتباط بعنوان جریان خاص برقرار کننده ی روابط انسانی .
- ۳) اشاره به عناصر نمادگذاری و مظهر سازی الزام برقراری
رابطه ی انسان ها .
- ۴) وسیله ی انتقال دهنده ی موضوع و محتوای روابط انسانی .

نکات :

۱) لازم به ذکر است که گولی ، ارتباط را یک مکانیسم می داند .
گولی ، ارتباط را یک مکانیسم یا ترکیب و جریان خاص می داند
که معمولا ضمن آن ، پیام های شخص ، اشخاص یا گروه ها که
منشاء و منبع ارتباط نامیده می شوند ، اغلب با نشانه ها و
علامتهای مخصوص (رقم ، کلمه ، صدا) ؛ از طرف فرد یا مرکز
فرستنده (ارتباط گر یا تهیه کننده پیام ها) ، نشانه گذاری
(تلگراف موسی) می گردند و با استفاده از یک وسیله یا مجرا یا
شبکه ی ارتباطی ، منتقل یا پخش می شوند و پس از دریافت از
طرف یک فرد یا مرکز گیرنده و تبدیل نشانه و ضربه به زبان
عادی ، به مخاطب یا مخاطبان ، ارائه می گردند .

۲) رابطه ی انسانی بدون ارتباط همانند عکس یا تصویری است
که هنوز ظاهر نشده یا مشخصات و حدود آن آشکار نگردیده اند.

۳) فرمول مشهور پروفیسور لاسول آمریکایی ، بهترین معرف
مکتب مکانیستی است .

۴) نشانه ها در وظیفه ی نمادسازی و مظهر سازی انسانی نقش
مهمی دارند و برای انتقال مقاصد انسانی ، در جریان ارتباط ،
علاوه بر عناصر اصلی (منبع ، پیام ، مخاطب) ، دارای کاربرد
می باشند . هر کدام از نشانه ها در روابط اجتماعی ، وسیله یا
عامل انتقال مقاصد فکری انسانی به شخص یا اشخاص دیگر ،
نیز هستند .

۵) وسایل انتقال افکار ، اطلاعات و تمایلات ، لازمه ی ارتباط
افراد می باشند که آنان را به دو نوع (جریان های ابتدایی) و
(تکنیک های ثانوی) تقسیم می کنند .

۱) جریان های ابتدایی، شاخص ارتباطات مستقیم و شخصی می باشند که شامل رفتارهای خاص ارتباطی نظیر: اشاره، نگاه، لبخند، تقلید، بیان لفظی و امثال آنها هستند. حال آنکه؛ جریان های ثانوی، در مراحل تمدن انسانی بوجود آمده اند مثل شیوه های انتقال بیان، علامات تکنیکی و وسایل ارتباطی.

۲) از منظر کولی، بهترین تکنیک ها، آنهایی هستند که ارتباطات را از قید و بند محدودیت های زمانی و مکانی رها می سازند.

۳) امروزه، تکنیک های ارتباط جمعی، به وسایل ارتباطی جهانگیر و توده گیر تبدیل شده اند.

۴) اصطلاح وسایل ارتباط توده ای، برای معرفی مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما بکار می روند.

۵) اطلاع یا خبر یا آگاهی؛ یکی از اشکال ارتباط میان انسان ها است؛ بعبارت دیگر بین ارتباط و اطلاع، نسبت کل و جزء، برقرار است یعنی هر خبر و اطلاعی، یک نوع ارتباط تلقی می شود ولی هر ارتباطی، اطلاع و خبر محسوب نمی شود.

۶) بحث دو دوست پیرامون وضعیت آب و هوا، یک ارتباط معمولی بشمار می رود لیکن اطلاعی که روزنامه و رادیو و تلویزیون پیرامون وضع هوا ارائه می دهند، یک خبر تلقی می شود.

۷) ریشه ی لغوی کلمه ی اطلاع در زبان فرانسه؛ اشتقاق از یک اصطلاح لاتینی بمعنای شکل یافته است، فی الواقع اندیشه ی شکل دادن به پیام های ارتباطی به منظور آگاه ساختن و در جریان قرار دادن مخاطب است.

۸) آگاهی در اصطلاح حقوقی، تشکیل پرونده برای بدست آوردن اطلاعات است و اداره ی آگاهی وظیفه ی جست و جو و تحقیق و کسب اطلاعات قضایی را دارد.

۹) در اصطلاح حقوقی، کلمه ی اطلاع برای آگاه ساختن به کار می رود.

رواج معنای کنونی کلمه از نیمه ی دوم قرن نوزدهم؛

ذکر عبارت اطلاع یافتن بعنوان سومین معنای فعل informer در چاپ ۱۸۶۳ فرهنگ فرانسوی لیتره؛

شرح در فرهنگ فرانسوی لاروس ابتدایی ۱۹۳۱ و ۱۹۵۱ بعنوان مقاله روزنامه که در آن بطور خلاصه، یک واقعه یا حادثه ی روز بررسی شده باشد؛

در نظر گرفتن چندین ستون برای معانی مختلف آن در لاروس بزرگ چاپ ۱۹۷۱؛

بنابراین معنای کلمه ی مذکور بتدریج از صورت کلی آن یعنی « هر خبر یا اطلاعی که به نحوی به افراد یا گروه های انسانی منتقل گردد»، خارج شده و بصورت مشخص « خبرهای وقایع جاری که با وسایل انتشار جمعی - روزنامه، رادیو و تلویزیون - به جماعت انسانی انتقال می یابند» درآمده است و اکنون، علاوه بر آن، عمل ارتباط و انتقال اطلاعات را نیز در بر می گیرد و اصطلاحاتی نظیر وزارت اطلاعات و روزنامه ی خبری، در برابر روزنامه مسلکی، آژانس خبری و امثال اینها نیز به همین معنی بکار می روند.

دو عنصر اساسی اطلاع یا خبر:

۱) منتشر شدن: زایل شدن صفت خصوصی و شخصی شدن و خروج هر نوع ارتباط مستقیم نظیر گفت و گو و مکاتبه از حوزه شمول خبر بواسطه ی اعلان و انتشار خبر

۲) نو بودن: عنصر تازگی و نو بودن خبر، از گسترش شمول آن به اطلاعات مربوط به گذشته یا وقایع و فعالیت های تکراری و مداوم جلوگیری می کند زیرا این نوع وقایع و فعالیت ها معمولاً موضوع مطالعات ادبی، هنری و علمی می باشد، بنابراین اطلاعاتی که پیرامون یک حالت مستمر، یک پدیده ی قبلی یا جریان وقایع گذشته تهیه می شوند جنبه ی خبری ندارند و تنها به یک اقدام جدید و یک واقعه یا حادثه ی تازه می توان خبر اطلاق کرد.

تفاوت خبر با خبر تازه: در زبان های اروپایی، میان اخبار معمولی information و خبرهای تازه یا تازه ها news، اختلاف وجود دارد. خبر معمولی شامل اطلاعاتی است که درباره اقدامات و وقایع جاری بدست می آورند در اخبار معمولی، علی رغم اهمیت عنصر نو بودن، اشکال اساسی در انتشار تاخیری آن، بوجود نمی آید حال آنکه در خبرهای تازه، عنصر نو بودن، اهمیت بیشتری پیدا می کند و فاسد شدنی ترین کالاها لقب یافته اند.

نکته: رویدادهای ناگهانی مثل زمین لرزه، شروع یک جنگ، سقوط یک هواپیما، آتش سوزی، مسابقات هیجان انگیز ورزشی، همگی از جمله خبر های تازه اند که ناگهانی بودن و هیجان انگیز بودن این وقایع ایجاب می کند که بلافاصله منتشر شوند.

معنای کلمه ی اطلاع: معمولاً به معنای شکل بندی اخبار به منظور انتقال و انتشار آنها بکار می رود و به همین جهت خبرهای تازه را نیز بعنوان نوعی از اطلاع در بر می گیرد. این کلمه در زبان معمولی؛ عمل جمع آوری و تنظیم و انتشار اخبار را بیان می کند و در زبان حقوقی، طرز تعقیب جرایم و کسب اطلاعات قضایی را مشخص می سازد که در سالهای اخیر، در زبان علمی مفهوم روشن تری بدست آورده است و معرفی تئوری ریاضی اطلاع، علم اطلاع پردازی و علم سیبرنتیک گردیده است.

نکات: ۱) کلمه ی اطلاع، در تئوری ریاضی اطلاع که از سالهای پس از جنگ جهانی دوم مقام علمی خاص یافته است، به معنای اصلی خود یعنی « محاسبه ی عددی امکانات متناوب به منظور شکل بندی یا ایجاد یک پیام با توجه به گیرندگان آن» بازگردیده است. // ۲) تئوری اطلاع که پدید آمده ی سال ۱۹۴۹ برای استفاده در مسائل ارتباطات دور است؛ مجموع تحقیقاتی را که برای سنجش مقداری اطلاع انجام می شوند و همچنین با صرفه ترین وسایلی را که بمنظور بدست آوردن

حداکثر اطلاع مورد استفاده واقع می گردند، در بر می گیرد.

۱) بکارگیری اشتباه کلمه ی ارتباط و اطلاع به جای هم ، در صورتی که هر دو بر مفهوم اطلاع مبتنی می باشند و یک تئوری را تشکیل می دهند ؛ ناشی از بکار رفتن کلمه ی ارتباط در کتاب معروف تئوری ریاضی ارتباط تالیف شانون و ویور آمریکایی است حال آنکه این دو که از مبتکران اصلی این تئوری محسوب می شوند ، کلمه ی ارتباط را در کتاب خود بمعنای عمل انتقال و تبادل بکار نبرده اند بلکه منظور آنها بررسی پیام ارتباطی است که بنام اطلاع بین فرستنده و گیرنده ، منتقل و مبادله گردد .

۲) هر اندازه که عناصر تازه ی یک پیام بیشتر باشند ، ارزش آن بالاتر می رود .

۳) مفهوم اطلاع ، موضوع اندازه گیری و سنجش را مطرح می کند .

۴) اطلاع ، چیزی جز یک اندازه و مقیاس نیست و به خودی خود ، چیز مستقلی به شمار نمی رود .

۵) لایبنتز ، فیلسوف و ریاضی دان آلمانی ؛ نخستین کسی است که موضوع سنجش مقداری پیام های ارتباطی را مطرح کرده است . وی معتقد بود که هر نوع پیامی را با هر درجه وسعت لغوی ، می توان بصورت یک دسته پرسش هایی که پاسخ آنها « آری » یا « نه » است درآورد و با یک گروه عددی مشخص ساخت .

۶) کلود شانن آمریکایی و همکار او ، در تئوری ریاضی اطلاع ، از روش شمارش تصاعدی اعداد زوج Binary Digit ، استفاده کرده و علامت اختصاری این روش را تحت عنوان BIT واحد اطلاع ، معرفی نموده اند که می تواند شاخص انتهاب آری یا نه قرار گیرد .

۷) اندازه گیری تعداد تناوب های پیاپی موجود در یک پیام ، با استفاده از تئوری ریاضی اطلاع ، سبب می شود که در جریان ارتباط و عمل انتقال پیام بین فرستنده و گیرنده ، بتوان از حداقل امکانات فنی برای مبادله ی حداکثر پیام استفاده کرد و هزینه های ارتباط را نیز به حداقل ممکن کاهش داد .

۸) عامل اصلی پیدایش تئوری ریاضی اطلاع بوسیله ی شانون و ویور ، فراهم نمودن امکانات برای ارتباط تلفنی در فواصل دور بود .

۹) با تولید خطوط تلفنی هم محور ، این امکان فراهم گردید که با استفاده از یک خط واحد و امواج صوتی جداگانه ، پیام های متعدد از یک نقطه به نقطه ی دیگر منتقل شوند و بدون افزایش تعداد خطوط و سرمایه گذاری جدید ، نرخ مکالمات نیز کاهش یابد .

۱۰) به کمک تئوری اطلاع ، می توان ، به اطلاع پردازی پرداخت و از دستگاه های خودکار شمارگر و حسابگر در زمینه ی امور مختلف اجتماعی بهره برداری کرد .

۵۰

اطلاع پردازی :

تدارک اطلاعات و معلومات بوسیله ی ماشین های خودکار ، اطلاع پردازی ، نامیده می شود // بسیاری از دانشمندان معاصر پیشرفت اطلاع پردازی را از عوامل اصلی انقلاب بزرگی می دانند که در نیمه ی دوم قرن بیستم در علوم و فنون انسانی پدید آمده است // در اطلاع پردازی ، با روش ها و تکنیک های خاص ، اطلاعات و معلومات گوناگون ، مورد محاسبه و تجزیه و تحلیل قرار میگیرند و برای تامین نیازهای انسان در زمینه های اقتصادی اجتماعی صنعتی اداری و ... ، بکار گرفته می شوند // فراوانی تعداد دستگاه های پیچیده و دقیق « حسابگر الکترونیک » ، یکی از معیارهای مهم پیشرفت علمی در کشورهای صنعتی محسوب می گردد که این دستگاه ها می توانند بدون مداخله ی مستقیم انسانی ، مواد اولیه شامل ارقام و اعداد و حروف و کلمات و اصوات که در اصطلاح علمی « اطلاع » نامیده می شوند را ، محاسبه و تجزیه و تحلیل کنند و سپس بصورت مورد نظر ترکیب نمایند و در اختیار انسان بگذارند //

معروف ترین رشته های مجموعه ی اطلاع پردازی ؛ اطلاع پردازی تحلیلی ، اطلاع پردازی فیزیکی و تکنولوژی ، اطلاع پردازی روش یابی و برنامه ریزی و اطلاع پردازی علمی هستند .

علم سبیرنتیک یا خود فرمایی : « چهار راه بزرگ علمی »

آ) مکمل تئوری اطلاع و علم اطلاع پردازی است .

ب) کلمه ی سبیرنتیک دارای ریشه ی یونانی است و معنای اصلی آن در زبان یونانی ، فرمانروایی و حکومت است و در آثار افلاطون ، فیلسوف مشهور یونان نیز به همین معنا بکار رفته است . در زبان اروپایی هم کلمه ی سبیرنتیک برای اولین بار در سال ۱۸۲۴ بوسیله ی « آندره آمپر » فیزیک دان معروف فرانسوی در طبقه بندی علوم بمعنای حکومت و شعبه ای از علم سیاست استعمال شده است همچنین در فارسی می توان آنرا علم هدایت و کنترل یا خودفرمایی بیان نمود .

پ) این علم ، معرفی علمی است که به انسان و یا ماشین خودکار ، امکان حکومت کردن و فرمان دادن می دهد .

ت) مبتکر علم جدید سبیرنتیک ، نوربرت وینر ، دانشمند فقید آلمانی الاصل آمریکاست که نخستین کتاب خود را به همین نام منتشر کرد و در سالهای بعد آنرا تکمیل نمود ؛ وینر ، سبیرنتیک را ، علم کنترل و انتقال پیام ها نزد انسان و ماشین معرفی می کند و ضمن استفاده از تئوری ریاضی اطلاع ، حوزه ی عمل این تئوری را گسترش می دهد و خود نیز تئوری بازگشت اطلاع را بر آن می افزاید . // ث) دستور دادن در زمان مقتضی ، با توجه به وسایل موجود و هدف و برنامه ی عمل ، یک روش فکری سبیرنتیکی است و با چنین روشی می توان طرز کار سازمان های مختلف و ماشین های صنعتی را طوری تنظیم کرد که خود به خود با استفاده از اطلاعات پیاپی خارجی یا داخلی ، وظایف خود را انجام دهند و بدین ترتیب تهیه و تنظیم پیام ها و اطلاعات و منتقل کردن و به جریان انداختن و کنترل آنها ، در سبیرنتیک اهمیّت فراوان دارند و به همین سبب سبیرنتیک را می توان مکمل تئوری اطلاع و اطلاع پردازی دانست .

۵۱

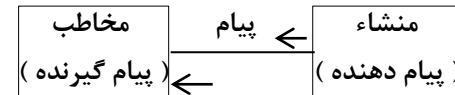
ج) طبقه بندی عناصر ارتباط و تجزیه و تحلیل آنها ، از جمله نتایج گسترش روشهای سبیرنتیک علوم ارتباطات می باشند .

چ) موارد استفاده ی سبیرنتیک در ارتباطات بیشتر از لحاظ طرز جریان پیام و تاثیر آن بر گیرنده ی پیام اهمیّت پیدا می کند .

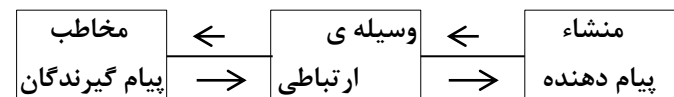
عناصر ارتباط:

مشخص شدن فرآشد یا جریان ارتباط و یا همان طرز برقراری ارتباط با توجه به ترکیب عناصر گوناگون موجود در هر ارتباط .

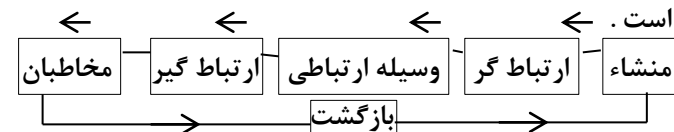
۱) سه عنصر اصلی ساده ترین جریان ارتباطی ؛ پیام دهنده ، پیام و پیام گیرنده است که منشاء پیام یعنی پیام دهنده یا گوینده ، شخص واحد است ؛ مخاطب پیام ، پیام گیرنده یا شنونده نیز یک فرد است و پیامی که مستقیم بین آنان مبادله می شود و معمولاً بصورت نگاه ، حرکت سر و دست ، لبخند یا گفت و گو ظاهر می گردد ، جنبه ی بیان حضوری دارد و از شخص گوینده یا شنونده بطور عینی جدا شدنی نیست و بنابراین در جریان ساده ی ارتباط ، چون عنصر پیام مستقیماً بین دو طرف مبادله می گردد ، به عنصر دیگری بعنوان وسیله ی انتقال نیازی نیست.



۲) در ارتباط های غیر مستقیم که برای برقراری تماس بین پیام دهنده و پیام گیرنده به یک وسیله ی خارجی احتیاج می شود ، عنصر جدیدی بنام وسیله ی ارتباطی بعنوان چهارمین عنصر ارتباط ، خودنمایی می کند همانند مبادله ی پیام از طریق نامه .



۳) در ارتباط های جمعی به سبب فراوانی پیام ها ، وسعت میدان ارتباط و پراکندگی پیام گیرندگان و همچنین لزوم بخش سریع پیام های ارتباطی ، دیگر امکان ارتباط مستقیم وجود ندارد و جریان ارتباط غیرمستقیم نیز به عناصر تازه ای همچون فرستنده ، وسیله ، مجرا و گیرنده نیازمند است و هنگامه ی انتشار رمزگونه ، به ارتباط گر رمز گذار و گیرنده ی رمزیاب نیاز است .



نکته: در جریان های ارتباطی جمعی ، بازگشت پیام یا عکس العمل پیام گیرندگان ؛ بر خلاف انتشار پیام ، پراکنده ، نامرئی و غیر مستقیم است .

نکات:

۱) در جریان ارتباط جمعی ، وسایل ارتباطی عامل انتقال پیام هایی هستند که از طرف فرستندگان برای گیرندگان جامعه ارسال می شود و چون این پیام ها بیشتر جنبه ی آگاه کننده و خبر دهنده دارند ، وسایل انتقال آنها ، وسایل خبری نیز نامیده می شوند .

۲) تا هنگامیکه ارتباط جنبه ی شخصی دارد ، برای انتقال پیام از پیام دهنده به پیام گیرنده و عکس العمل متقابل او ؛ نیازی به وسیله ی ارتباطی نیست .

انواع ارتباط:

ارتباط را می توان با توجه به چگونگی ایجاد آن ، به ارتباط مستقیم و ارتباط غیرمستقیم و از لحاظ انسان هایی که در آن شرکت دارند به ارتباط شخصی ، غیر شخصی و جمعی طبقه بندی کرد .

آ) ارتباط مستقیم و شخصی: ایجاد بدون واسطه میان شخص پیام دهنده و پیام گیرنده ؛ مبادله ی مستقیم پیام ها میان دو طرف ؛ امکان تغییر نقش پیام دهنده و گیرندگی میان دو طرف ؛ ایجاد ارتباط با دیگران از طریق بیان شفاهی یا خنده یا اشاره ؛ ارتباط رو در رو و شناسا بودن طرفین ؛ نمونه ی کلان آن جلسات همایش و بحث و سخنرانی و تئاتر ؛ برقراری ارتباط میان دو نفر یا افراد معدودی که در زمان واحد و مکان معین در کنار یکدیگر هستند .

ب) ارتباط غیر مستقیم و غیر شخصی: روابط غیر مستقیم و با واسطه افراد با یکدیگر ؛ جانشین شدن بیان کتبی و چاپی بجای بیان حضوری و شفاهی و واسطه ارتباط غیر مستقیم قرار گرفتن نوشته دستی یا چاپی ؛ جنبه ی غیر شخصی بودن ارتباط غیر مستقیم و با واسطه ؛ امکان ناشناس بودن طرفین ارتباطی ؛ ارتباط میان مدیران مطبوعات و روزنامه نگاران با خوانندگان

پ) ارتباط جمعی: ارتباط غیر مستقیم ایجاد شده توسط مطبوعات پر تیراژ و وسایل ارتباطی نوین ، میان گروه های انسانی ؛ پدیدآیی بین هزاران و میلیون ها نفر افراد نا آشنایی که در شهرها و کشورهای گوناگون بصورت انبوه زندگی می کنند. ارتباطات رادیویی و تلویزیونی به دلیل یکسویه بودن جریان مستقیم آن ، در این گروه جای می گیرند .

نکات:

۱) ارتباطات فکری ، لازمه ی زندگی اجتماعی است .
۲) مبادله ی فکری ، پیوند اعضای گروه است که اگر از میان رود دیگر هیچ وجه اشتراکی بین آنان وجود نخواهد داشت و در نتیجه خود گروه نیز موجودیت نخواهد یافت .

۳) ارتباطات فکری در میان افراد همجوار ، معمولاً بصورت مستقیم و شخصی و رودررو صورت می پذیرد که ارتباطات اولیه یا مقدماتی نامیده می شوند و در برابر آنها ، ارتباطات غیر مستقیم و غیر شخصی ، به ارتباطات ثانوی معروف می باشند .

۴) ارتباط مستقیم ، صمیمانه ترین و کاملترین نوع ارتباط فکری انسان است و تمامی مدل های ارتباطی دیگر جایگزین این شکل اصلی و اولیه هستند .

۵) ارتباط مستقیم از حیث زمانی ، محدودیت فراوان دارد چرا که با پراکنده گشتن افراد تعاملی و قطع تماس بین آنها ، پیوند اجتماعی آنان متزلزل می گردد .

۶) ارتباط مستقیم بسیار فرآر است و در آن امکان ضبط گفت و گو ها و پیام ها بطور کامل وجود ندارد و محتویات انتقالی سینه به سینه ی افراد ، جنبه های عینی و واقعی خود را از دست می دهد .

۷) توسعه مکانی مبادلات فکری با پیدایش شایعه ، یعنی دهان به دهان گشتن اخبار اولیه ، امکان پذیر گردیده است و از لحاظ زمانی نیز افسانه ها و رسوم اجتماعی سبب ادامه ی ارتباطات و حیات جوامع شده اند .

۸) تحول وضع وسایل ارتباطی در چگونگی ارتباطات انسانی ، اهمیت فراوان دارد .

تئوری معرفت ؛ زبان و فکر :

تئوری معرفت ، طرز شناخت واقعیات از سوی انسان را بیان می دارد . فی الواقع ، معرفت عبارت از انعکاس اشیاء در فکر انسان است . لازم به ذکر است که فکر بطور مطلق وجود ندارد و برای خودنمایی آن باید یک نوع وسیله ی مادی یعنی زبان با آن همراه باشد فلذا زبان که واقعیت بی فاصله و فوری وجدان آدمی است ، ماده ی طبیعی فکر را تشکیل می دهد و دارای دو وظیفه ی اصلی است : از یک طرف عامل ایجاد ارتباط و تفهیم و تفهیم بین انسان ها است و از سوی دیگر وسیله ی فکر و بیان آن نیز بشمار می رود . بنابراین زبان و فکر به یکدیگر پیوستگی دارند و جدا ناپذیرند در عین حال یکی نیستند زیرا فکر عبارت از انعکاس واقعیت عینی در وجدان انسان است درحالیکه زبان عامل بیان و وسیله ی انتقال اندیشه ها به دیگران می باشد . نتیجتاً ، تنها بیان است که امکان ادراک اندیشه های دیگران را به انسان می دهد و بدین نحو ، انعکاس واقعیت عینی اشیاء در ذهن انسان ، تنها موقعی دارای ارزش است که انتقال یابد .

استعمال واژگانی زبان در کشور ها :

فرانسه :

۱) لغت langue : معرف عضو زبان در داخل دهان ؛ زبان رایج بین گروه های انسانی در یک یا چند کشور (واژه ها و کلمات و ..)
 ۲) لغت langage : طرز بیان ؛ تفکیک زبان شفاهی ، کتبی ، تجسمی
 انگلیسی : استعمال لغت language به شکل عام برای تمام موارد .
 فارسی : استعمال لغت زبان بصورت عام برای بیان تمامی موارد .

نکته : استفاده از وسایل برای بیان اندیشه های انسانی و شناخت

محیط زندگی ، تابع شرایط و اوضاع و احوال جامعه ی انسانی است
 نکته : مادی کردن و قابل انتقال ساختن انعکاس واقعیات زندگی در فکر ، با وسایلی از قبیل بیان شفاهی ، هنرهای تجسمی ، آهنگ های موسیقی ، نوشته دستی ، کتابها و روزنامه ها و مجله های چاپی و عکس و رادیو و تلویزیون صورت می پذیرد .
 جزوه درس مبانی ارتباطات اجتماعی دکتر رحمن سعیدی ؛ تهیه و تنظیم مصطفی امینی

نکته : در طول تاریخ ، وسایل ارتباطی گوناگونی مورد استفاده جوامع بشری واقع می شوند . برخی همانند زبان انسان ، طبیعی بشمار می روند و بعضی دیگر همانند علامات و نشانه ها و نمادهای گوناگون ، جنبه ی قراردادی دارند و برخی نیز نظیر مطبوعات ، تلویزیون و سینما (وسایل ارتباطات توده ای جمعی) چون ساخته ی دست انسان اند ، مصنوعی قلمداد می شوند . برخی از این وسایل ، عامل ارتباط مستقیم و یا شخصی میان اعضای گروه های کوچک انسانی می باشند مثل زبان و تعدادی دیگر چون کتاب و مطبوعات و رادیو و تلویزیون ، از عوامل ارتباط غیر مستقیم و جمعی بین گروه های بزرگ انسانی هستند .

زبان و بیان شفاهی : بهترین و کامل ترین وسیله ی ارتباط انسانی ؛ عامل ارتباط مستقیم و رو در رو ؛ وسیله ی انتقال اطلاعات و افکار و خواست های افراد در اجتماعات کوچک ؛ نقش دو جانبه در جریان ارتباط عادی مستقیم شفاهی : از یک سو ، منشاء ارتباط است و اندیشه ی پیام دهنده را به پیام گیرنده بیان می کند و از سوی دیگر مخاطب طرف گفت و گو است و به او پاسخ می دهد . // . تفکیک عنصر سوم ارتباط ، یعنی پیام ، از مبادله ی شفاهی توسط علمای ارتباطات : کلمات ابزار و علامات و نشانه های بی مفهوم انتقال دهنده ی مفاهیم و معانی افراد انسانی است . // . عالی ترین وسیله ی تبادل اطلاعات و افکار و تفاهم و دوستی بین افراد انسانی است . محدودیت قلمرو ؛ مهمترین نقطه ی ضعف و عیب زبان و بیان شفاهی ، به شمار می رود که عامل اختلال در بیان مقصود توسط منشاء پیام به اجتماعات عظیم انسانی است . جریان یافتن شایعه ، با انتقال دهان به دهان از طریق از میان رفتن اصالت گفت و گوی رو در رو . // . انتقال گفته ها و شنیده ها بصورت افسانه ها و رسوم و سنت های سینه به سینه به نسل های بعد . فاصله گرفتن شایعات یا رسوم اجتماعی از حقیقت با دور شدن از منبع اصلی // نکته : لاپرویز ، نویسنده ی معروف فرانسوی قرن هفتم ، می گوید حقیقت غالباً عکس شایعاتی است که رواج دارد .

خط و نوشته ی دستی :

کاهش خطر تحریفات بواسطه ی ثبت آنها و انتقال بدون خدشه ی داده ها به نسل های بعد ؛ طرح خط و کتابت بعنوان آفریننده ی تاریخ بشری ؛ پیدایی ارتباط غیر مستقیم با ظهور خط و واسط انتقال پیام گردیدن آن ؛ بی نیاز ساختن مبادله ی افکار از ارتباط مستقیم ؛ شکست محدودیت های بیان شفاهی و گسترش حوزه ی قلمرو ؛ // کاربرد پیام های مکتوب ، عامل انتقال روابط اجتماعی به مرحله ی حقیقت بینی و پیچیدگی ؛ پیدایش روزنامه های خطی و حکایات و داستان ها ؛ ظهور روزنامه های دیواری همچون آکتادیورنا که اولین روزنامه از این نوع است که بر دیواره های شهر قدیم رم چسبانده می شد و اختلاف ظاهری آن با روزنامه های امروزی ، دست نویسی متن و فقدان عکس بود . // روزنامه نویسان اولیه ، روزنامه نگاران ذوقی بودند که به سبب علاقه ی شخصی ، به اخبار دست می یافتند . // اولین موسسات بزرگ تهیه ی خبر که امروزه خبرگزاری نامیده می شوند ، از اوایل قرن نوزدهم ، کار خود را با کار خبر نویسان حرفه ای ذوقی آغاز کردند . // در فرانسه ، در ابتدا ، خبر نویسی ، وسیله ی ارتباط آزادی خواهان با طرفداران آنان قرار گرفت .

نشان و نشانه : برخی از زبان شناسان غربی ، علامت یا نشان را که در اینجا معادل کلمه ی sign-e در زبان های انگلیسی و فرانسه گرفته شده است ؛ از نشانه یا نشانگر signal ، همچنین نماد یا مظهر symbol ؛ تفکیک می کنند چرا که به عقیده ی آنها ، نشان یا علامت ، معنای کلی دارد و نشانه و نماد را که از انواع آن است در بر می گیرد . نشانه معرف رویدادهای مادی محیط زندگی است مثلاً دود نشانه ی آتش است و جنبش برگهای درختان نشانه ی باد ؛ حال آنکه نماد نشانی است که در عین حال ، جانشین نشانه و واقعیت مربوط به آن می گردد . کلمات از انواع نمادها محسوب می شوند فی المثل ، واژه های آتش ، باد و شرم ؛ هم به جای پدیده های مربوط به هر کدام از آنها و هم بجای نشانه های آنها استعمال می گردند .

صنعت چاپ ، کتاب و مطبوعات : تهیه ی کتیبه های سنگی و دست نویسی بر روی پوست حیوان و برگ درخت و کاغذ ، اولین اقدامات انسانی در زمینه ی حفظ و انتقال نوشته ها بودند بعنوان مثال ؛ نخستین کوشش جوامع انسانی در راه تکثیر و حفظ نوشته ها ، با حکاکی کلمات بر روی گل و تهیه ی آجر صورت گرفته است . /// . کتابخانه ی آجری ساراگون ، پادشاه کشور آشور شامل هزاران قطعه آجر حکاکی شده متعلق به قرن هشتم پیش از میلاد ؛ در حفاری های ۱۸۴۲ میلادی در نینوا ، کشف شد . /// . مرحله ی بعدی کوشش انسان در راه چاپ ، حک کردن کلمات بر روی قطعات چوب و تکثیر آنها با کاغذ است که قرن ها پیش در چین معمول گردیده بود .

چینی ها ، حد اقل یک قرن پیش از میلاد مسیح ، موفق به تهیه ی کاغذ تقریباً به شکل امروزی آن شده بودند . پیش از آن ، بهترین کاغذ ، پاپیروس مصری بود و مطابق با اطلاعات تاریخی ، در سال ۱۰۵ قبل از میلاد ، یک چینی بنام « تسی لوآن » ، برای نخستین بار ، کاغذ و مرکب را ساخت و به امپراتور چین عرضه داشت . مدت ها بعد روش تهیه ی کاغذ چینی از آسیای مرکزی و ایران و کشورهای اسلامی به اروپا منتقل گردید .

در حدود سال ۷۵۰ میلادی در سمرقند و در حدود سال ۹۰۰ میلادی در بغداد ، کاغذ ساخته شد .

در اروپا ، اولین بار ، اسپانیایی ها و ایتالیایی ها در اوایل قرن دوازدهم میلادی ، به تهیه ی کاغذ پرداختند .

در خاور دور ، از اواسط قرن پنجم میلادی ، استفاده از یک نوع چاپ خاص که با حکاکی بر روی قطعات چوب صورت می گرفت آغاز گردید و در اواخر قرن ششم میلادی ، روزنامه ای بنام «کائه یو آن تساپائو» ، با این روش در دربار امپراتور چین در شهر پکن چاپ شد ، همچنین یک کتاب چینی بنام سوترای الماس ، در سال ۸۶۸ میلادی ، با این روش چاپ شده است .

بین سالهای ۱۰۴۱ تا ۱۰۴۹ میلادی ؛ یک چینی دیگر بنام « پی چنگ » ، حروف متحرک الفبای چینی را بر روی قطعات سفالی تهیه کرد و برای چاپ کتاب مورد استفاده قرار داد .

در کشورهای غربی ، اروپایی ها مخترع چاپ معرفی می کردند و در این زمینه ، هلندی ها و آلمانی ها ، بر دیگران مقدم شناخته می شوند . در اواخر قرن چهاردهم میلادی ، یک هلندی بنام لرنس نسزون کاستر با حک کردن حروف الفبا بر روی قطعات چوب (همان روش ابداعی چینی ها در قرن ها پیش) ، چندین کتاب به چاپ رساند و در سال ۱۴۲۳ ، حروف متحرک الفبایی را نیز از چوب تهیه کرد و با آن یک دستور زبان لاتین چاپ نمود و سر انجام در سال ۱۴۴۰ ، حروف متحرک فلزی نیز ساخت و یک کتاب مذهبی با آنها چاپ کرد که سه نسخه ی آن ، هنوز بر جای مانده است . مدتی بعد ، یوهان گنز فلیش آلمانی معروف به گوتنبرگ نیز که به روش جدید چاپ آشنایی داشت و احتمالاً به طرز کار کاستر هلندی نیز آگاهی یافته بود ، در شهر ماینس آلمان به چاپ کتاب پرداخت و روش کاستر را تکمیل کرد .

گوتنبرگ از سال ۱۴۳۶ تا سال ۱۴۵۲ میلادی ، فعالیت های چاپی خود را به تنهایی دنبال می کرد ولی پس از آن یک گراور ساز هلندی بنام « پترشوفر » را نیز به همکاری گرفت و دو سال بعد به کمک او ، یک دستورالعمل مذهبی متعلق به پاپ نیکلای پنجم را با استفاده از حروف متحرک سربی چاپ کرد . در سال ۱۴۵۵ ، گوتنبرگ و همکار او با حمایت یک زرگر آلمانی بنام یوهان فوست ، به چاپ انجیل اقدام نمود ولی به سبب اختلاف مالی با فوست ، شهر ماینس را ترک کرد و همکاران وی به تنهایی ، چاپ این انجیل را که معروف به انجیل ۴۲ سطری است را پایان رساندند .

چون شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی اروپای قرن پانزدهم میلادی که در این زمان ، عصر معروف رنسانس را آغاز کرده بود با اوضاع و احوال باستانی چین ، تفاوت فراوان داشتند و گوتنبرگ نیز در تکامل و توسعه ی روش جدید چاپ ، بیش از دیگران کوشی کرده بود ، این صنعت تحول انگیز ، یک صنعت اروپایی تلقی می گردد و مخترع آن گوتنبرگ شناخته می شود و در نتیجه ؛ دومین تحول بزرگ در زمینه ی ارتباطات اجتماعی ، تکمیل صنعت چاپ در اروپا ، پس از ایجاد خط و تهیه ی کاغذ بود .

تکمیل شیوه ی چاپ با حروف متحرک سربی ، در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی ، در انتشار اندیشه های نو و پیشرفت علوم و فنون ، تاثیر بسیار گذاشت . پس از اختراع چاپ ، حدود یک قرن طول کشید تا با توسعه ی ادارات پست و زیر ساخت های مربوطه ، از صنعت جدید بهره برداری گردد .

از اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم که صنعت چاپ ، توسعه ی واقعی یافت ، مطبوعات نیز رفته رفته خصوصیات امروزی را بدست آوردند و انتشار کتاب ها را تحت الشعاع قرار دادند .

تقریباً در یک زمان ، در شهرهای پراگ چکوسلواکی ، آنور بلژیک ، استراسبورگ فرانسه و فرانکفورت آلمان ، جزوه ها و یادداشت های طبع شده ای که حاوی گزارش حوادث و وقایع اجتماعی بودند ، شروع به انتشار کردند .

وسایل ارتباطی نوین (سینما ، رادیو و تلویزیون) :

تحولات اجتماعی و اقتصادی قرن هجدهم و نوزدهم ، سبب پیشرفت و تکامل مطبوعات گردیدند .

مطبوعات در رژیم دموکراسی آزادی گرا ، در کنار ارکان سه گانه مقننه ، قضائیه و مجریه ؛ عنوان رکن چهارم دموکراسی را دارا می باشند .

در فرانسه ، در طی مبارزات ضد استبدادی ، مطبوعات بعنوان یک سلاح مهم سیاسی ، مطرح گردید .

موعد میدان فعالیت وسیع تر مطبوعات ، به سبب توسعه ی مدارس و دادن حق رأی در انتخابات ، اواسط قرن نوزدهم بود .

پیش از پدیده ی توده وار شدن جوامع ، روزنامه تنها یکی از طرق ارتباط اجتماعی بود ولی مهمترین آن بشمار نمی رفت و در آن موقع فقط دو وظیفه داشت : اول پخش اطلاعات موجود در همه جا و دوم اشاعه ی افکار و عقایدی که در جوامع پدید می آمدند . در جوامع صنعتی ، مطبوعات نقش مهمتری بدست آوردند و به عامل اصلی ارتباط اجتماعی تبدیل گردیدند .

ادامه : وسایل ارتباطی نوین (سینما ، رادیو و تلوزیون) :

نقش مطبوعات در جوامع صنعتی :

تبدیل شدن به زبان همه ی مردم بعنوان مهمترین وسیله ارتباطی ؛ آگاه ساختن افراد پراکنده و ایجاد پیوند میان آنان ؛ به عهده گرفتن نقش بیان شفاهی در روابط مستقیم انسانی !!!

اختراع تلگراف و تلفن و بی سیم و تکمیل تکنیک های عکاسی بتدریج شرایط ارتباط مستقیم و فوری از راه دور را فراهم ساختند و با ظهور رادیو و سینما و تلوزیون ، وسایل ارتباطی تازه ای در کنار مطبوعات در اختیار انسان ، گذاشته شدند .

ایجاد و تکامل صنعت چاپ و بهره برداری از آن برای تکثیر کتاب ها و روزنامه ها در تاریخ وسایل نوین ارتباطی ، یک نقطه ی عطف محسوب می شود . پیدایش صنعت جدید چاپ در قرن پانزدهم میلادی ، در واقع سر آغاز تحولات بزرگی است که در پنج قرن اخیر در فنون انتشاری و ارتباطی پدید آمده اند زیرا انسان بوسیله آن برای نخستین بار امکان پیدا کرد که در زمینه ی ارتباطات از ابزارهای مصنوعی چون حروف متحرک و دستگاه طبع استفاده نماید ، مواد خاصی مثل کاغذ و مرکب را با هم ترکیب کند و آنها را به یک محصول صنعتی چون کتاب و روزنامه مبدل سازد و بدین ترتیب در طرز برقراری ارتباطات ، دگرگونی مهمی ایجاد کند . قبل از صنعت چاپ ، ارتباطات ، ارتباط انسان با انسان به شمار می رفت چرا که هیچ وسیله ی فنی و مصنوعی برای ایجاد ارتباط میان انسان ها وجود نداشت .

از اواسط قرن پانزدهم میلادی ، بشر ، ماشین را وسیله ی توسعه ی ارتباطات و تکثیر پیام ها قرار داد و تدریجا انواع ارتباط های دیگر همچون ارتباط انسان با ماشین ، ارتباط ماشین با انسان و ارتباط ماشین با ماشین ، پدید آمدند .

مطبوعات چاپی ، نخستین وسیله ی ارتباط نوین می باشند که به دنبال آن ، تکنیک های دیگر ارتباطی ، در مراحل مختلف ، راه تکامل پیمودند . مهمترین تحول پس از اختراع و تکامل چاپ در امر ارتباطات: فراهم شدن وسایل برقراری ارتباط بین انسان ها از فواصل دور و در سرزمین های وسیع بود و از این لحاظ باید تلگراف و تلفن را از عوامل اصلی تحول دانست .

اختراع تلگراف در سال ۱۸۳۲ توسط سامویل مورس انگلیسی صورت پذیرفت .

اختراع تلفن ، در سال ۱۸۷۶ بوسیله ی گراهام بل و واتسون آمریکایی ، صورت پذیرفت .

علت غلبه ی وسایل ارتباط سمعی بر جراید ، امکان ایجاد ارتباط مستقیم است .

در وسایل ارتباط سمعی ، تعیین زمان پخش و نوع برنامه با فرستنده است ، حال آنکه در جراید ، مطالعه بصورت آزاد است .

ایجاد وسایل ارتباط تلگرافی و تلفنی ، مقدمه ی انقلابی است که از سال ۱۸۹۵ با اختراع دستگاه ارتباط بی سیم و رادیویی توسط گوگلیلمومارکنی ایتالیایی در زمینه ی ارتباطات پدید آمد .

با ظهور رادیو و ارسال امواج برای انتقال پیام های گوناگون انسانی ، وضع انحصاری وسایل ارتباطی چاپی از میان رفت و به عقیده برخی از دانشمندان علوم ارتباطات مثل مک لوهان کانادایی ، بدنبال عصر چاپ یا عصر گوتنبرگ ، عصر ارتباطات الکترونیکی یا عصر مارکنی آغاز گردید .

در آخرین سالهای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ؛ وسایل نوینی همچون سینما ، رادیو و تلوزیون در اختیار انسان گذاشته شدند .

در اواسط قرن بیستم ، در کنار وسایل ارتباطی نوین ، دستگاه های صنعتی دیگری نظیر رادار نیز ساخته شدند که انسان در مورد پرواز هواپیماها و یا موارد مشابه ، از آنها استفاده می کنند و اینگونه وسایل ، ابزار ارتباط انسان با ماشین محسوب می شوند .

آخرین تحول بزرگی که در نیمه ی دوم قرن بیستم در فنون ارتباطی صورت گرفته است ، ایجاد وسایل خاصی است که در جریان ارتباط جای انسان ها را اشغال می کنند و ارتباط ماشین با ماشین را برقرار می سازند ؛ بهترین نمونه ی این نوع وسایل ماشین های حسابگر الکترونیکی و سایر ماشین های خودکار و هدایت شونده هستند که با استفاده از تئوری «اطلاع» و اطلاع سنجی و «سیبرنتیک» کار می کنند .

وسایل ارتباطی نوین ، در یک قرن اخیر و مخصوصا در ۵۰ سال گذشته ، گسترش و پیشرفت فراوان یافته اند .

تاریخ شروع بهره برداری عمومی از رادیو ، سال ۱۹۲۰ است و مبدأ تحولات جدید در وسایل ارتباطی بشمار می رود .

در نیم قرن گذشته و مخصوصا در سالهای پس از جنگ جهانی دوم ، همه ی وسایل جدید ارتباطی جهانگیر شده اند و اکنون صدها میلیون نفر از مردم دنیا ، از آنها بهره برداری می کنند .

مطبوعات قرون هفدهم و هجدهم ، همزمان با مبارزات ضد استبدادی و پیشرفت دموکراسی توسعه پیدا کردند .

از اواسط قرن نوزدهم ، رواج سرمایه داری در طرز اداره و نقش اجتماعی مطبوعات نیز تاثیر گذاشت و سپس ایجاد و توسعه وسایل ارتباط نوین دیگر چون سینما و رادیو و تلوزیون هم تحت الشعاع آن قرار گرفت و به همین جهت اکنون در کشورهای صنعتی غربی ، اغلب کمپانی ها توسط موسسات بزرگ تجاری اداره می شوند و هدف انتفاعی آنها بر وظایف اجتماعی آنان برتری دارد .

تولیدات فراوان و مخاطبان انبوه ، دو مزیت موسسات بزرگ رسانه ای هستند .

اصطلاح وسایل ارتباط توده ای یا جمعی که اکنون در بسیاری از ممالک برای معرفی روزنامه ، رادیو ، تلوزیون و سینما بکار می رود ؛ در عین حال که شاخص نقش اجتماعی این وسایل در ایجاد و توسعه ی ارتباط بین انسان های بیشتر می باشد ، طرز عرضه ی تجاری آنها را نیز نشان می دهد .

به پایان آمد این دفتر حکایت ده چنان باقی است

پایان جزوهی درسی دکتر رحمان سعیدی

تهیه و تنظیم : مصطفی امینی

انتقادات و پیشنهادات : mostafaamini1۹۹۰@gmail.com

جزوه درس مبانی ارتباطات اجتماعی

استاد: دکتر رحمان سعیدی

تهیه و تنظیم: مصطفی امینی

دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی